

# لاويان

Leviticus

## تفسير كتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ويليام مك دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

June 30, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

## Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,  
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

## مقدمه

در عرصه کتب الهامی خدا که روح القدس به ما بخشیده است، کتابی نیست که همچون لاویان بیش از هر چیز حاوی کلام مستقیم خدا باشد. در این کتاب خداست که در هر صفحه از آن سخن می‌گوید؛ سخنان فیض بخش او همانگونه که بیان شده‌اند ثبت گردیده‌اند. این بررسی جز به علاقه و توجه شخصی خواننده موفقیت‌آمیز نخواهد بود.» — Andrew Bonar

### 1. جایگاه کتاب در کائنات

جی. ان. داربی (J. N. Darby) هشدار داده است که اگر ایمانداران از قدوسیت خسته شوند پیامدهای وخیمی به دنبال خواهد داشت. قدوسیت مفهوم اصلی کتاب لاویان است، و مسلماً خواندن این کتاب برای بسیاری از مسیحیان بسیار دشوار است. مسلم است که اگر این دستورات را جزئیاتی از مراسم قربانی یهودیان و شریعت بر شماریم که در جهت تقدس در زندگی روزمره و جدایی از اقوام گناهکار اعطا شده است، برکت چندانی از آن نخواهیم گرفت. با اینحال اگر توجه نماییم که هر قسمت از این قربانی‌ها کمال شخصیت و کار مسیح را به تصویر می‌کشند، می‌توانیم بر مفاهیم بسیاری تفکر نماییم. و برکت بیشتر آن زمانی حاصل می‌شود که این کتاب را با همتای آن در عهد جدید یعنی کتاب عبرانیان ارتباط دهیم.

### 2. نویسنده

بیست باب از بیست و هفت باب کتاب لاویان و در حدود سی و پنج پاراگراف آن با عبارت «و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت...» و یا عباراتی نظیر آن آغاز می‌شوند. تا قبل از دوران معاصر غالب افرادی که ادعا می‌کردند یهودی یا مسیحی هستند این آثار را دارای ارزش ظاهری می‌دانستند. خداوند ما خود درباره لاویان 49:13 می‌گوید - جذامی‌ای که خود را به کاهن نشان می‌دهد و قربانی می‌گذراند - «آنچه موسی فرموده» (مرقس 1:44). اما با اینحال امروزه در بسیاری از محافل نویسندگی موسی را نه تنها در مورد لاویان بلکه در مورد پنج کتاب رد می‌کنند.

از آنجایی که ما معتقدیم دیدگاه سنتی در این مورد نه تنها درست بلکه بسیار مهم نیز است، این موضوع با برخی جزئیات بیشتر در مقدمه اسفار پنجگانه شرح داده شده است و بید به دقت آن را مورد توجه قرار داد.

### 3. تاریخ

با توجه به اینکه نویسنده لاویان موسی است و شواهد در پنج کتاب نظر ما این است که این کتاب در طی پنجاه روز پس از بر پایی خیمه (خروج 17:40)، و پیش از اینکه اسرائیلیان سینا را ترك کنند (اعداد 11:10) بر موسی مکتوف شده است. سال دقیق نگارش مبهم است، اما می‌توان آن را بین سالهای 1450 الی 1410 ق.م بر شمرد.

#### 4. پس زمینه و محتوا

سهل‌ترین راه برای به خاطر سپردن محتوای کتاب این است که به نام آن مراجعه نمایید، یعنی «لاویان» یا «کاهنان» و سپس پی خواهیم برد که این کتاب راهنمایی برای کاهنان است. خروج با برپایی خیمه به پایان رسید. اکنون کاهنان و لاویان به دستوراتی برای انجام قربانی‌هایی که در آن بنا و برخی رسوم دیگر (به عنوان مثال تطهیر خانه «جذامیان») باید انجام شود نیاز دارند.

در خروج دیدیم که اسرائیل از مصر رهایی یافت و تبدیل شد به قوم خاص خدا. در لاویان می‌بینیم که آنها چگونه باید خود را از گناه و ناپاکی جدا سازند تا در مسکن خدا به او نزدیک شوند. تقدس تبدیل می‌شود به قانون اردوگاه. خدا هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید دستور می‌دهد که قوم او مقدس باشند زیرا که او مقدس است. این موضوع مشکلی بسیار جدی را مطرح می‌سازد زیرا انسان هم در ذات و هم در عمل نامقدس است. راه حل آن در خون کفاره است (لاویان 11:17). در عهد عتیق قربانی حیوانات بود که همه به سویی پیش و به سویی قربانی بره خدا آنگونه که در عهد جدید و به طور خاص در عبرانیان آشکار شده است در حرکت بودند.

### طرح کلی

#### 1. انواع قربانی (1:1-6:7)

1- الف. قربانی سوختنی (باب 1)

1- ب. هدیه آردی (باب 2)

1- پ. قربانی سلامتی (باب 3)

1- ت. قربانی گناه (4:1-5:13)

1- ث. قربانی جرم (5:14-6:7)

#### 2- قوانین مربوط به قربانی‌ها (6:8-7:38)

### 3- تقدیس کاهنان (بابهای 8:10)

3- الف. مسح کاهنان توسط موسی (بابهای 8-10)

3-ب. قربانی‌هایی که توسط هارون تقدیم گردید (باب 9)

3-پ. توهین ناداب و ابیهو به مقدسات (باب 10)

### 4- پاک و ناپاک (بابهای 11-15)

4- الف. خوراکهای پاک و نجس (باب 11)

4- ب. تطهیر پس از زایمان (باب 12)

4- پ. علایم جذام (باب 13)

4- ت. غسل جذامیان (باب 14)

4-ث. تطهیر پس از ترشحات بدن (باب 15)

### 5- روز کفاره (باب 16)

### 6- قوانین مربوط به قربانی (باب 17)

### 7. قوانین مربوط به رفتارهای شخصی (باب 18-22)

7- الف. قوانین مربوط به روابط جنسی (باب 18)

7- ب. قوانین مربوط به زندگی روزانه (باب 19)

7- پ. مجازات برای تخلفات فاحش (باب 20)

7- ت. رفتار کاهن (بابهای 21، 22)

### 8- اعیاد خداوند (باب 23)

8- الف. سبت (3:23-1)

8- ب. فصیح (4:23، 5)

8- پ. عید نان فطیر (6:23-8)

8- ت. عید نوبرها (9:23-14)

8- ث. عید هفته‌ها (15:23-22)

8- ج. عید کرناها (25-23:23)

8- چ. روز کفاره (32-26:23)

8- ح. عید خیمه‌ها (44-33:23)

9. قانون مراسم و اخلاقیات (باب 24)

10. سال سبت و سال یوبیل (باب 25)

11. برکات و لعنتها (باب 26)

11- الف. برکت در ازای اطاعت از خدا (13-1:26)

11- ب. لعنت در ازای ناطاعتی از خدا (39-14:26)

11- پ. احیا پس از اعتراف و توبه (46-40:26)

12. سوگندها و عشریه (باب 27)

## تفسیر

1. انواع قربانی (1:6-7)

1- الف. قربانی سوختنی (باب 1)

در ابتدای کتاب لاویان خداوند موسی را فرا می‌خواند و در خیمه اجتماع با او سخن می‌گوید. همانگونه که در ابتدا از بونار نقل کردیم کتاب دیگری نیست که همچون کتاب لاویان سرشار از کلام مستقیم خدا باشد، و این بیانگر این موضوع مهم است که ما باید آن را مطالعه کنیم. در ابتدا خداوند پنج قربانی تعیین می‌کند - سوختنی، آردی، سلامتی، گناه و جرم. سه قربانی اول به قربانی‌های خوش بو معروف هستند، و دو قربانی آخر هم به قربانی‌های گناه. سه قربانی اول داوطلبانه بود اما دو قربانی آخر الزامی.

اولین پیغام خدا برای بنی‌اسرائیل این بود که آنها باید قربانی‌های خود را از بهایم خود نزد او آورند - چه از رمه‌ها و چه از مرغان.

باب اول از قربانی سوختنی سخن می‌گوید (در عبرانی *ōlāh*). در این قربانی بسته به استطاعت قربانی کننده سه درجه وجود دارد: یا گاو از گله باشد (آیه 3؛ 5) که باید نر و بی‌عیب باشد؛

یا قربانی گوسفند و یا بز باشد (آیه 10)، و آن هم باید نر و بی عیب باشد؛ و یا فاخته‌ها یا جوجه‌های کبوتر (آیه 14). همه آنها مخلوقات بی‌آزاری بودند؛ نباید حیوانی وحشی بر روی مذبح خداوند قربانی می‌شد.

پیتر پل (Peter Pell) می‌گوید که گاو از صبر خداوند سخن می‌گوید، از خستگی ناپذیری او، او که با زندگی سرشار از خدمات کامل و نیز مرگ خود و قربانی کاملی که انجام داد همیشه درصدد انجام اراده پدر بود. گوسفند از فروتنی و افتادگی خداوند سخن می‌گوید، کسی که مطیع اراده پدر شد و کاملاً خود را به او سپرد. بز از مسیح به عنوان نایب و نماینده ما سخن می‌گوید. فاخته آسمانی بودن مسیح را به تصویر می‌کشد، و نیز مرد غمها (کبوتر غمگین).

بنگرید! که آن قربانی بی‌عیب می‌نهد جان،

بر آن صلیب، او که مرا است اطمینان؛

آن قربانی، بره خدا،

او خود را در راه من کرده فدا!

نویسنده گمنام

**وظایف تقدیم کننده قربانی:** او قربانی را تا دروازه خیمه می‌آورد، نزدیک مذبح برنجی (آیه 3)؛ او دست خود را بر قربانی سوختنی می‌گذاشت (آیه 4) (یا «دست خود را بر آن تکیه می‌داد»); او گاو (آیه 5) یا گوسفند یا بز (آیه 11) را می‌کشت؛ حیوان را سلاخی و آن را قطعه قطعه می‌کرد (آیات 6، 12)؛ او احشا و پچه‌هایش را در آب می‌شست (آیات 9، 13).

**وظایف کاهنان:** آنها خون را بر اطراف مذبح می‌پاشیدند (آیات 5، 11)؛ آتش بر مذبح می‌گذاشتند (آیه 7) و سپس قسمتهای حیوان را بر روی هیزم می‌گذاشتند (آیات 8، 12). همه چیز بر روی مذبح می‌سوخت به جر پوت (آیه 13؛ 8:7)؛ در مورد پرندگان، سر آن را می‌پیچاند و جدا می‌کرد، خون آن را بر اطراف مذبح می‌ریخت، چینه دان و فضلات آن را خالی می‌کرد و بر جانب شرقی مکذبح می‌ریخت، و کالبد آن را بدون اینکه به تقسیمش کند باز می‌کرد و بر روی مذبح می‌سوزاند. واژه‌ای که برای سوختن به کار رفته همان واژه‌ای است که در مورد سوزانیدن بخود به کار رفته است؛ در مورد قربانی گناه واژه‌ای دیگر به کار رفته است.

توزیع قربانی: تمام آنچه که بر روی مذبح سوزانیده می‌شد متعلق به خدا بود؛ پوست به کاهنان داده می‌شد (8:7)؛ تقدیم کننده هیچ قسمتی از قربانی را دریافت نمی‌کرد. شخصی که قربانی را تقدیم

می‌کرد اطاعت و تسلیم کامل خود را به خداوند ابراز می‌کرد. در جاهای دیگر می‌خوانیم که این قربانی در مناسبت‌های دیگر نیز تقدیم می‌شد.

از نظر نمونه‌شناختی قربانی سوختنی تقدیم مسیح بی‌عیب را به خدا نشان می‌دند. بره خدا بر روی مذبح جلجتا و در آتش عدالت الاهی سوخته شد. سرود آملیا ام. هال (Amelia M. Hull) روح این واقعه را چنین توصیف کرده است:

من بودم بر آن مذبح و دیدم بره خدا را  
دیدم که وجودش برایم به خاکستر بدل شد؛  
و دیدم که عطر خوشبویش به اعلا ساع شد،  
و تو ای پدر پذیرفتی آن را.

#### 1- ب. هدیه آردی (باب 2)

هدیه آردی (عبری *minhāh*) از آرد گندم و یا دانه‌های دیگر بود.

**هدیه:** هدیه آردی دارای انواع گوناگون بود: آرد نرم؛ به همراه روغن و کندری که بر روی آن ریخته می‌شد (آیه 1). این آرد پخته نمی‌شد بلکه مشت‌مانند از آن بر روی مذبح سوزانیده می‌شد (آیه 2). نان یا کیک‌ها سه نوع مختلف بودند: (الف) پخته شده در تنور (آیه 4)؛ (ب) پخته شده بر ساج مسطح (آیه 5)؛ (پ) پخته شده بر تابه (آیه 7)؛ ترجمه‌های KJV و RSV واژه «تابه» را به کا برده‌اند اما برخی معتقدند که این قربانی در آب جوشانیده می‌شد، همچون پودینگ). همچنین هسته‌های گندم نیز که نمادی از نوبرها بودند در آتش برشته می‌شدند (آیه 14). آیه 12 اشاره دارد به یک قربانی خاص (21-15:23) که نباید بر مذبح سوزانیده می‌شد چرا که در خود خمیر مایه داشت.

در این قربانی‌ها نباید هیچ خمیر مایه و یا عسلی به کار می‌رفت (آیه 11). اینها بر تخمیر و شیرینی طبیعی اشاره داشتند. اما باید نمک افزوده می‌شد، چرا که نشانه‌ای میان عهد خدا با اسرائیل بود. و آن نمک عهد نامیده می‌شد (آیه 13)، و نشانی بود از اینکه عهد را نمی‌شد شکست. برای اشارات دیگر در این مورد نگاه کنید به اعداد 19:18؛ 2 تواریخ 5:13؛ حزقیال 24:43.

**وظایف تقدیم کننده:** او هدیه در خانه آمده می‌کرد و آن را نزد کاهن می‌آورد (آیات 2، 8).

**وظایف کاهن:** کاهن هدیه را بر مذبح تقدیم می‌کرد (14:6)؛ سپس او مشت‌مانند از آن را می‌گرفت و

این مست یادبود را بر روی مذبح می‌سوزانید (آیات 2، 9).

توزیع هدیه: این «مشت آرد» که به همراه کندر بر روی مذبح سوزانیده می‌شد، از آن خداوند بود و کاهن اجازه داشت بقیه هدیه را به عنوان خوراک برای خود نگاه دارد (آیات 3، 10). کاهن وقت می‌توانست تمام چیزهایی را که در تابه پخته شده بود برای خود بردارد (9:7). همه چیزهایی که با روغن مخلوط شده بود و هر چه که خشک بود به دیگر کاهنان تعلق داشت (10:7)؛ تقدیم‌کننده هیچ سهمی از هدیه خود نداشت.

شخصی که هدیه آردی را می‌آورد در واقع با فراهم کردن چیزهای خوب زندگی که آرد، کندر، روغن (و شراب در مورد قربانی شراب) نمادی از آنها بود سخاوت خدا را اذعان می‌کرد. از نظر نماد شناسی این قربانی از کمال اخلاقی زندگی نجات‌دهنده ما سخن می‌گوید (آرد نرم)؛ نه اثری از شرارت داشت (بدون خمیر مایه)، برای خدا خوشبو (کندر)، و پر از روح‌القدس بود (روغن). نویسنده این سرود این موضوع را به زیبایی بیان می‌کند:

زندگی، زندگی پر از محبت او، عطر خوشبو و مقدس پراکنده ساخت!

زندگی، همراه با آن تاج خشن زمین، اما فنا ناپذیر و شیرین!

زندگی، از صورت پر محبت خدا، پر جلال اما فروتن،

می‌درخشد تا ما را فرو گیرد، خداوند، به پاهایت می‌افتم!

اف. آلابن (F. Allaben)

### 1- پ. قربانی سلامتی (باب 3)

3:1-5 قربانی سلامتی یا مشارکت (عبری shelem) صلح با خدا را که بر اساس کفایت خون کفاره ایجاد شده بود جشن می‌گرفت. و این قربانی در واقع جشنی از شادی، محبت و مشارکت بود.

**قربانی:** این قربانی هم سه درجه داشت: حیوانی از میان رمه، نر یا ماده (آیات 1-5)؛ بره‌ای از میان گله، نر یا ماده (آیات 6-11)؛ بز یا بزغله، نر یا ماده (آیات 12-17).

وظایف تقدیم‌کننده: او حیوان را بر دروازه صحن به خداوند تقدیم می‌کرد (آیات 1، 2، 7، 12)؛ او دست خود را روی قربانی می‌گذاشت (آیات 2، 8، 13)؛ او آن را در پای خیمه می‌کشت (آیات 2، 8، 13)؛ قسمتهای مشخصی از حیوان را جدا می‌کرد - پیه، احشاء، دو گرده و پیه‌ای که بر آنها بود و سفیدی که بر جگر بود - و آنها را بر مذبح می‌سوزانید (آیات 3، 4، 9، 10، 14، 15).

**وظایف کاهنان:** آنها خون را به اطراف مذبح می‌پاشیدند (آیات 2، 8، 13)؛ آنها سهم خداوند (چربی و غیره) را روی قربانی سوختنی می‌سوزاندند (آیه 5).

توزیع قربانی: سهم خداوند، که هدیه آتشین به جهت خداوند نامیده شده است (آیه 11)، چربی، احشاء، سفیدی دور جگر و گرده‌ها بود؛ در لایوان 32:7، 33 می‌خوانیم کاهن وقت ران راست را پس از اینکه به عنوان قربانی جنبانیدنی هدیه می‌شد دریافت می‌کرد؛ دیگر کاهنان سینه حیوان را دریافت می‌کردند (31:7). ابتدا این به عنوان قربانی جنبانیدنی در مقابل خداوند تقدیم می‌شد؛ بقیه از آن تقدیم کننده بود (21-15:7). این تنها قربانی‌ای است که تقدیم کننده قسمتی از آن را دریافت می‌کرد. احتمالاً او برای خانواده و دوستان خود جشنی برپا می‌کرد و آن را به عنوان يك خوراك ميل می‌کردند. از این رو قربانی موجب می‌شد صلح میان افراد بیشتر شود.

شخصی که این قربانی را می‌گذرانید سپاسگذاری خود را به خاطر آشتی با یهوه ابراز می‌کرد. شخص همچنین می‌توانست قربانی سلامتی را به خاطر سوگندهایی به خداوند ادا کرده بود به جا آورد، و یا حتی شاید به خاطر لطف بزرگی که یهوه در حق او انجام داده بود.

پیتر پل (Peter Pell) در مورد مفهوم نمونه‌شناختی آن می‌نویسد:

کار کامل مسیح برای ایماندار در قربانی سلامتی دیده می‌شود. خداوند عیسی سلامتی ما است (افسیان 14:2)، توسط خون صلیب خود برای ما سلامتی به ارمغان آورده است (کولسیان 20:1). او این مصالحه را برای کسانی که دور بودند و آنانی که نزدیک بودند بشارت داد (افسیان 17:2)، از این رو دیوار میان یهودیان و امتهای را فرو ریخت. در مسیح خدا و گناهکار مصالحه می‌کنند؛ عداوت از میان برداشته می‌شود. خشم خدا فرو نشانده می‌شود و گناهکار با او آشتی می‌کند، و هر دو توسط کاری که مسیح انجام داده رضایت حاصل می‌کنند.

سرود لرد آدالبرت سسیل (Lord Adalbert Cecil) از این کار مسیح چنین تجلیل می‌کند:

*آه، تا به ابد از افکار پسر خدا سلامتی جاری است!*

*سلامتی از اینکه می‌دانیم همه چیز بر صلیب انجام شد. مصالحه با خدا!*

*حال دیگر خون در آسمان برایم مفهوم بخشش را دارد: مصالحه با خدا! خداوند برخاسته است! اکنون عدالت مرا آزاد کرده است.*

16:3، 17 قوم اسرائیل از خوردن چربی یا خون منع شده بودند، چرا که هر دو متعلق به خداوند بود. این ممانعت، یعنی نخوردن چربی علاوه بر مفهوم نمادین آن، در واقع يك نوع تجویز

زشکی نیز محسوب می‌شود. امروزه نظر پزشکان این است که کاهش چربی موجب پیشگیری از فشار خون، امراض قلبی، سکت، دیابت، و امراض ریوی می‌شود.

این سه قربانی اول – سوختنی، آردی و سلامتی – از جایگاه ویژه‌ای در پرستش امت اسرائیل برخوردار بود، اما از سویی افراد می‌توانستند به صورت فردی و داوطلبانه هر یک از این قربانی‌ها را تقدیم نمایند. دو قربانی دیگر به هنگام گناه شخص باید تقدیم می‌شد. از این رو ما در اینجا دو مفهوم پرستش داوطلبانه و کفاره الزامی را در قربانی‌ها می‌بینیم.

#### 1- ت. قربانی گناه (13:5-1:4)

باب 4. قربانی گناه (عبری hattā'th) برای قومی مقرر شده است که نجات یافته‌اند. مقصود این نیست که شخص برای نجات نزد خداوند حاضر شود، بلکه یک اسرائیلی که در رابطه‌ای عهدی با خداوند قرار گرفته بود، برای خود طلب بخشش می‌کرد. هدف از این قربانی گناهان ناخودآگاه و غیر عمدی بود.

**قربانی:** بسته به شخصی که گناه کرده بود سه نوع مختلف قربانی وجود داشت: کاهن مسح شده – که رئیس کهنه است، اگر او با گناه خود قوم را مجرم سازد (آیه 3) – گوساله‌ای نر و بی‌عیب قربانی کند. تمامی جماعت (آیه 13) نیز گوساله‌ای نر بیاورند؛ رئیس (آیه 22) بز نر و بی‌عیب بیاورد (آیه 28)، یا گوسفندی ماده و بی‌عیب بیاورد (آیه 32). (واژه عبری در اینجا به معنای حیوان بالغ می‌باشد).  
**وظایف تقدیم‌کننده:** به طور کلی تقدیم‌کننده حیوان را تا به دروازه صحن می‌آورد، آن را به خداوند تقدیم می‌کرد، دست خود را بر سرش می‌گذاشت، آن را می‌کشت، و چربی‌ها، احشاء، و سفیدی دور جگر را جدا می‌کرد. مشایخ به نمایندگی از جماعت این کار را می‌کردند (آیه 15). مرگ قربانی به طور نمادین مرگ گناهکار محسوب می‌شد.

**وظایف کاهن:** رئیس کهنه هم برای خود و نیز برای جماعت خود قربانی را به خیمه اجتماع می‌برد، و آن را هفت بار بر حجاب می‌پاشید (آیات 5، 6، 16، 17) و نیز بر شاخ‌های مذبح طلایی بخور (آیات 7، 18). سپس بقیه خون را بر پای مذبح قربانی سوختنی می‌ریخت (آیات 7، 18). کاهن به نمایندگی از رئیس (حاکم) و عامه مردم خون قربانی را بر شاخ‌های مذبح قربانی سوختنی می‌ریخت و بقیه آن را بر پای مذبح (آیات 25، 30، 34). او برای تمام طبقات جماعت چربی، احشاء، و سفیدی دور جگر را بر روی مذبح قربانی سوختنی می‌ریخت (آیات 8-10، 19، 26، 31). در مورد قربانی رئیس کهنه یا تمام جماعت، تمام حیوانات دیگر را به خارج اردوگاه می‌بردند و می‌سوزاندند (آیات 11، 12، 21).

توزیع قربانی: سهم خداوند همانی بود که بر روی مذبح سوزانیده می‌شد - چربی، احشا و ... . کاهن اجازه داشت از گوشت قربانی رئیس (حاکم) و یا قربانی شخص عداوت تناول کند زیرا خون این قربانی‌ها را همچون قربانی رئیس کهنه و جماعت (4، 5، 16، 17) به داخل مسکن نمی‌بردند (30:7). او همچنین می‌توانست قربانی‌هایی را که در 6:5، 7، 11 به همین هدف گذرانیده می‌شد تناول کند. هیچکدام از قسمتهای این قربانی‌ها برای تقدیم‌کننده نبود.

تمامی اجساد قربانی‌های گناه که خونشان به صحن برده شده بود خارج از اردوگاه سوزانیده می‌شد. پس خداوند ما توسط خون خود یکبار برای همیشه وارد مکان اقدس شد (عبرانیان 12:9)، پس از اینکه خارج از شهر اورشلیم رنج کشید. کلام خدا ما را تشویق می‌کند که «عار او را بر گرفته، بیرون از لشکرگاه به سوی او برویم» (عبرانیان 13:13).

نکته: به نظر عبارت «گناه سهوی» مفهومی فراتر از عدم آگاهی از گناه دارد. احتمالاً مقصود گناهانی است که عمدی، ارادی، و یا از روی غرض و به قصد سرکشی نبودند نیست. برای گناهانی که عمدی انجام می‌شدند قربانی‌ای نبود؛ مجازات اینگونه گناهان مرگ بود (اعداد 30:15).

کسی که قربانی گناه را تقدیم می‌کرد در واقع اعتراف می‌کرد که او به خاطر ضعف و سهل‌انگاری مرتکب گناه شده است. او برای گناهان خود طلب بخشش می‌کرد و باید پاک می‌شد.

قربانی گناه به طور نمادین به مسیح اشاره می‌کند، کسی که گرچه گناهی نداشت، برای ما «گناه شد»، تا ما در او عادل شمرده شویم. برخی می‌گویند که قربانی گناه از مسیحی سخن می‌گوید که با ما سر و کار دارد، چرا که قربانی گناه او را درحالی‌که چاره‌ای برای گناهان ما می‌اندیشد به تصویر می‌کشد.

آن قدوس را که گناه شناخت،

خدا برای ما گناه ساخت

نجات‌دهنده جان خود بداد تا رهایی بخشد جانهای ما

جان خود را بر آن صلیب شرم.

خون پربهای او به تنهایی

ما را از گناهان داد رهایی

گرچه ضعیف اما بر جهنم چیره گیدید

با مرگ او غالب گردید.

هانا کی. بولرینگهام (Hannah K. Burlingham)

13-1:5 آیه اول باب 5 به نظر توصیفی از قربانی جرم باشند (نگاه کنید به آیه 6)، اما عموماً پذیرفته‌اند که این آیات درباره دو درجه از گناه سخن می‌گویند. علت آنکه آنها را با قربانی جرم یکی نشمرده‌اند آن است که ذکر از غرامت، که جرئی مهم از قربانی جرم بود به میان نیامده است. (با اینحال، اذعان شده است که آیات 1-13 ارتباط نزدیکی با قربانی گناه و جرم دارند.)

این قربانی‌ها به جایی اینک با طبقات گوناگون افراد سر و کار داشته باشند، انواع مختلف گناه را پوشش می‌دادند: آیه 1 مردی را توصیف می‌کند که از جرمی آگاهی دارد، اما با اینحال پس از اینکه از آن جرم اطلاع حاصل کرد، نخواهد در مقابل کاهن و یا قاضی شهادت دهد و سوگند یاد کند مجرم است. مسیح به عنوان يك عضو یهودی زیر شریعت، هنگامی که کاهن او را قسم داد شهادت را ادا کرد (متی 26:63، 64). آیه دو درباره ناپاکی‌ای سخن می‌گوید که با لمس کردن جسد مرده بر يك یهودی عارض می‌شود، حتی اگر این امر نادانسته باشد. آیه 3 درباره ناپاکی‌ای صحبت می‌کند که با لمس کردن شخص جذامی عارض می‌شود، کسی که زخم پیش‌رونده یا غیره دارد. آیه 4 درباره وعده و یا قول‌های نسنجیده‌ای که شخص بعداً نمی‌تواند انجامش دهد صحبت می‌کند.

**قربانی:** سه نوع قربانی برای این گناهان بود، با توجه به توانایی تقدیم‌کننده: يك بره یا بز نر – برای قربانی جرم (آیه 6)؛ دو فاخته یا دو جوجه کبوتر، یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی (آیه 7)؛ ده يك ایفه آرد نرم، بدون روغن و کندر (آیه 11). این قربانی در استطاعت اشخاص فقیر بود. به همین شکل هم هیچکس از بخشش در مسیح محروم نشده است. سؤالی که در آیات 11-13 به ذهن خطور می‌کند این است که «چگونه ممکن است که آرد به عنوان يك قربانی گناه کفاره گناه شود درحالی‌که می‌دانیم بدون ریختن خون بخشش نیست؟» (عبرانیان 9:22). پاسخ آن این است که این هدیه بر روی مذبحی که بر رویش خون بود سوزانیده می‌شد، این خون باعث می‌شد ارزش خون قربانی را به آرد بدهد.

وظایف تقدیم کننده: پیش از هر چیز او به گناه خود اعتراف می‌کرد (آیه 5)، سپس قربانی خود را نزد کاهن می‌آورد (آیه 8).

وظایف کاهن: در مورد بره و یا بز ماده، تقدیم کننده طبق دستورات قربانی باب 4 آنها را تقدیم می‌کرد. اگر قربانی دو پرندۀ باشند، ابتدا يك پرندۀ را به عنوان قربانی گناه تقدیم می‌کرد، سر آن را از تن جدا کرده و خون آن را بر مذبح می‌ریخت، و بقیه آن را بر پایه مذبح می‌ریخت (آیات 8، 9). سپس پرندۀ دوم را به عنوان قربانی سوختنی می‌گذرانید، و آن را کاملاً بر مذبح می‌سوزاند (آیه 10). اگر قربانی آرد نرم بود؛ کاهن مشتی از آن را می‌گرفت و آن را بر روی قربانی سوختنی می‌سوزاند. او آن را بر روی قربانی‌ای که خونش ریخته شده بود می‌سوزاند، و از این رو به آن ماهیت قربانی گناه می‌بخشید (آیه 12).

توزیع قربانی: سهم خداوند هر آنچه که بر روی مذبح سوزانیده می‌شد بود. کاهن نیز باقیمانده را می‌گرفت (آیه 13).

### 1- ث. قربانی جرم (7:6-14:5)

قربانی جرم (عبری (’āshām) در 7:6-14:5 شرح داده شده است. وجه تمایز این قربانی این بود که باید پیش از انجام قربانی برای گناهی که انجام شده بود غرامت پرداخت می‌شد (16:5).

این قربانی چند نوع گناه را پوشش می‌داد. خطا بر علیه خدا: دریغ داشتن چیزهایی که از آن خداوند بود - دهیک و هدایا، وقف نخست‌زادگان، و غیره. (14:5). انجام سهوی برخی از اعمالی که خداوند منع کرده بود (17:5)، و احتمالاً اعمالی که مستلزم غرامت بود. «در مواردی که مشخص نبود چه کسی مرتکب اشتباه شده است، شخصی که در این مورد وسواس داشت خود يك قربانی جرم نیز تقدیم می‌کرد» (یادداشت‌های روزانه انجمن کتاب مقدسه).

خطا بر علیه انسان: رفتار نادرست با يك همسایه زمانی که ودیعه یا قرض و یا دزدی و یا تعدی صورت پذیرد (2:6). هنگامی که شیء گمشده‌ای پیدا شود و برای آن قسم دروغ یاد شود (3:6). همچنین در مواردی که شخصی که با کنیزی رابطه جنسی برقرار کند واجب بود قربانی جرم را بگذراند (22-20:19)، طهارت جذامی (14-10:14)، و مواردی که شخص نجس شود (اعداد 6:6-12).

قربانی: بره‌ای بی‌عیب (5:15، 6:18؛ 6:6) یا در موردی همچون لمس جذامی (14:12) یا نجاسات (اعداد 6:12) یک بره ماده.

وظایف تقدیم‌کننده: در موردی که خطا بر علیه خدا انجام شود، شخص باید غرامت را نزد کاهن می‌آورد، همراه بیست درصد اضافه بر آن. سپس او حیوان را در ورودی خیمه نزد کاهن می‌آورد، به خداوند تقدیم می‌کند، دست خود را بر سر قربانی می‌گذاشت و آن را می‌کشت. او همچنین چربی‌ها، احشا، دنبه، سفیدی دور جگر را جدا می‌کرد. در موردی که خطا بر علیه همسایه انجام شده بود نیز روال کار نیز به همین صورت بود. در هر دو مورد، تقدیم‌کننده باید بیست درصد مجازات را پرداخت می‌کرد، که به او یادآوری می‌کرد که گناه بهای گرانی دارد.

وظایف کاهن: او خون را به اطراف مذبح برنجین می‌پاشید (7:2)؛ سپس چربی، دنبه، احشا، و سفیدی دور جگر را بر مذبح می‌سوزانید (7:3، 4).

توزیع قربانی: سهم خداوند آنچیزی بود که بر روی مذبح سوزانیده می‌شد (7:5). کاهن وقت پوست بره را دریافت می‌کرد (7:8). تمام کاهنان گوشت حیوان را به عنوان خوراک برای خود تقسیم می‌کردند (7:6). تقدیم‌کننده هیچ سهمی از قربانی نداشت.

همانگونه که ذکر گردید، کسی که قربانی جرم را تقدیم می‌کرد در واقع برخی از اعمال خود را که باعث آسیب رساندن به شخص دیگری شده بود را جبران می‌کرد.

از نظر نمادشناختی قربانی جرم به آن جنبه از کار مسیح اشاره می‌کند که او خطایابی را جبران نمود که خود مرتکب نشده بود (مزمور 69:4ب). به خاطر گناه انسان، خدمت، پرستش، اطاعت، و جلال خدا در میان انسانها از میان رفت. و انسان خود حیات، صلح، شادی و مشارکت با خدا را از خود ربود. خداوند عیسی به عنوان قربانی جرم ما نه تنها هر آنچه را که توسط گناه انسان دزدیده و یا از بین رفته بود جبران نمود، بلکه حتی بیش از آن را نیز پرداخت کرد. زیرا خدا وسط کار کامل مسیح جلال بیشتری نسبت به زمانی که حتی اگر گناه وارد دنیا نشده بود به دست آورد. و ما در مسیح وضعیت بهتری نسبت به آدم سقوط کرده داریم.

او ترك كرد آن جلال الاهی،

و کشید ردای خاکی زمین بر آن صورت الاهی؛

و در آن کسوت به تصویر کشید محبت عالی‌تر،

تا بازگرداند آنچه را که خود نبرده بود.

– نویسنده گمنام

13-8:6 قانون قربانی سوختنی: در اینجا جزئیات بیشتری در مورد جامه‌هایی که کاهنان می‌پوشیدند داده شده است، به طوری که او از خاکسترهای قربانی سوختنی در امان بماند و نیز باید مراقب باشد که مبادا آتش بر روی مذبح خاموش نشود. خاکسترها ابتدا در سمت شرق مذبح قرار داده می‌شدند، و سپس به خارج از اردوگاه و در یک جای پاک حمل می‌شدند.

17-14:6 قانون هدیه آردی: در اینجا پی‌می‌بریم که کاهنان سهم خود از هدیه را باید در مکان قدس می‌خوردند، و اینکه آنها نباید خمیر مایه داشته باشند زیرا برای خداوند بسیار مقدس بودند.

18:6 فرزندان هارون می‌توانستند هدیه آردی را تناول کنند، اما باید مقدس بودند، یعنی با تشریفات مذهبی. این کاهنان با لمس کردن هدایا مقدس نمی‌شدند. تقدس با لمس کردن به دست نمی‌آمد، اما نجسات با لمس کردن عارض می‌شد (حجی 2:11-13).

23-19:6 این آیات از یک هدیه آردی مخصوص صحبت می‌کنند که رئیس کهنه باید آن را هر صبح و هر شب آن را تقدیم می‌کردن. و همه آن بر روی آتش سوزانیده می‌شد.

## 2- قوانین مربوط به قربانی‌ها (38:7-8:6)

عبارات 8:6 الی 38:7 «قوانین مربوط به قربانی» را شرح می‌دهند. در بسیاری از موارد این موضوع شبیه به آن چیزی است که در گذشته انجام شده است. بااینحال، مخاطب در این آیات کاهنان هستند اما در آیات قبلی مخاطب بنی‌اسرائیل بودند (2:1).

13-8:6 قوانین مربوط به قربانی سوختنی: در اینجا جزئیات بیشتری در مورد لباس کاهنان ارائه شده است، لباسهایی که با آن خاکستر قربانی سوختنی را به بیرون از لشکرگاه می‌برد، و دقت او در اینکه آتش روی مذبح هیچگاه خاموش نشود. خاکسترها ابتدا در سمت شرق مذبح قرار می‌گرفتند، و سپس به بیرون از لشکرگاه به جایی پاک انتقال داده می‌شدند.

17-14:6 قوانین مربوط به هدیه آردي: در اینجا می‌خوانیم که کاهنان باید سهم خود را از هدیه آردي در صحن خیمه اجتماع می‌خورند، و نباید فطیر می‌شد زیرا که آن برای خداوند اقدس اقدس بود.

18:6 تمام پسران هارون می‌توانستند از هدیه آردي تناول کنند، اما باید مقدس می‌بودند، یعنی آیین‌ها را بجا می‌آوردند. این کاهنان با لمس کردن قربانی‌ها مقدس نمی‌شدند. تقدس با لمس کردن به آنها منتقل نمی‌شود، بلکه تنها نجاست توسط لمس کردن به آنها منتقل می‌شد (حجی 2:11-13).

23-19:6 این آیات هدیه آردي مخصوصی را توصیف می‌کنند که رئیس کهنه باید هر روز صبح و عصر آن را تقدیم می‌کرد. تمام آن روی آتش سوزانیده می‌شد.

30-24:6 قانون قربانی گناه: همانگونه که قبلاً هم شرح داده شد، کاهن باید قسمتهای مشخصی از قربانی گناه را تناول می‌کرد (قسمتهایی که در لاویان 4:22-5:13) توصیف شده‌اند، جایکه در آن خون نباید به مکان مقدس منتقل می‌یافت. قربانی‌ها باید در صحن خیمه اجتماع خورده می‌شدند. توجه نمایید که این قربانی قدس اقدس بود. اگر يك شخص عادي گوشت قربانی را لمس می‌کرد، او مقدس بود و باید همچون کاهنان خود را از نجاست می‌زدود، اگرچه او نمی‌توانست وظایف کهنات را به جا آورد.

اگر خونی بر جامه شخصی پاشیده می‌شد، آن جامه باید شسته می‌شد - نه به این خاطر که نجس می‌شد بلکه خون قدس اقدس نباید به زندگی روزمره انتقال می‌یافت، زیرا با این کار بی‌حرمت می‌شد. ظرف سفالی که برای تقدیم قربانی گناه مورد استفاده قرار می‌گرفت باید شکسته می‌شد، زیرا ظروف سفالی که منفذدار هستند مقداری از خون را به خود جذب می‌کردند و در نتیجه موجب بی‌حرمتی می‌شد. ظرف مسی را باید می‌زدودند و با آب می‌شستند تا مبادا حتی ذره‌ای از قربانی قدس اقدس با هر چیز ناپاک در تماس باشد. قربانی گناه، همچون قربانی جرم باید در مکانی که قربانی سوختنی کشته می‌شد، ذبح می‌گردید، یعنی آنجا ضلع شمالی مذبح، (11:1) جایی که سایه بود.

7-1:7 هفت آیه اول باب 7 احکم مربوط به قربانی جرم را بازنگری می‌کنند، که غالب آنها در 7:6-14:5 شرح داده شده‌اند.

8:7 آیه 8 به قربانی سوختنی اشاره می‌کند و همچنین می‌گوید کاهن وقت می‌تواند پوست حیوان قربانی را برای خود نگاه دارد.

9:7، 10 آیه 9 از سهم کاهن وقت از هدیه آردي سخن می‌گوید، و آیه 10 درباره سهم دیگر کاهنان.

7:11-18 حکم مربوط به ذبیحه سلامتی در 7:11-21 شرح داده شده است. سه نوع ذبیحه سلامتی وجود داشت، بسته به انگیزه و یا نیت قربانی: به جهت تشکر (آیه 12)، ستایش خدا برای برکتی خاص؛ به جهت نذر (به عبارتی یک هدیه تبرعی) (آیه 16)، «در جهت تحقق پیمان و یا عهده‌ای که با خدا برای برآورده ساختن برخی نیازها بسته بودند؛ به عنوان مثال حفاظت در طی یک سفر پر مخاطره» (آیات 16، 17)، «این عمل باید برخاسته از دل و برای قدردانی از عملی که در جهت افشای ماهیت خود انجام داده است، باشد.»

ذبیحه سلامتی خود نیز یک حیوان قربانی بود (باب 3)، اما در اینجا می‌خوانیم که قربانی باید با نان تقدیم می‌شد. قرصهای نانی که با قربانی تشکر تقدیم می‌شد در آیات 12 و 13 ذکر شده‌اند. تقدیم کننده برای هر قربانی افزاشتی یک قرص نان نیز تقدیم می‌کرد، که در واقع این قرص نان به کاهن وقت داده می‌شد (آیه 14). گوشت قربانی تشکر باید در همان روز خورده می‌شد (آیه 15)، در حالیکه هدیه نذری و هدیه تبرعی را می‌توانستند در روز اول و یا دوم بخورند (آیه 17)؛ خوردن چنین گوشتی به منزله «منقطع شدن» بود، یعنی باید از جامعه قوم اسرائیل اخراج و یا بیرون می‌شد. ژان ریڈ می‌نویسد، «این موضوع حاکی از آن است که مشارکت با خدا باید تازه باشد و از امور مذبح نباید بسیار جدا باشد.»

7:19-21 اگر گوشت به هر چیز نجس برخورد کند، نباید خورده می‌شد بلکه باید بر روی آتش سوخته می‌شد. تنها کسانی که از طهارت را بجا آورده بودند می‌توانستند از آن گوشت تناول کنند. هر کسی که طهارت را بجا نیاورده بود و از گوشت قربانی می‌خورد باید از قوم منقطع می‌شد.

این حقیقت که قسمتهایی از ذبیحه سلامتی به خداوند، کاهنان و تقدیم کننده اختصاص داده شده بود نمایانگر این موضوع است که این عمل زمانی برای مشارکت بود. اما از آنجایی که خدا نمی‌توانست با گناه و ناپاکی مشارکت کند، کسانی که در این جشن شرکت می‌کردند باید پاک می‌شدند.

7:22-27 پیه بهترین قسمت قلمداد می‌شد، که متعلق به خداوند بود. پیه را باید برای او بر روی مذبح می‌سوزانیدند، و نباید خورده می‌شد (آیات 22-25). امروزه هم بسیاری از یهودیان در پی اطاعت از این احکام غذایی هستند. برای اینکه گوشت را برای مصرف خود آماده کنند، یا به عبارتی «حلال» شود، باید خون آن را از آن بیرون می‌کردند. بسیاری از خانواده‌های یهودی برای اجتناب از مصرف چربی، سوپهایی را که چربی حیوان دارد نمی‌خورند. آنها بر این باورند که حتی به کار بردن چنین محصولاتی در شستن ظروف می‌تواند ظرفها را حرام کند. علاوه بر دلایل روحانی نخوردن چربی یک دلیل طبی نیز وجود دارد، همانگونه که دکتر اس. آی. مک میلن خاطر نشان می‌سازد:

در طی چندین سال گذشته علم پزشکی متوجه این حقیقت شده است که خوردن چربی حیوان یکی از دلایل اصلی تسلب شرایین است. این چربی موجب تشکیل تومورهای کلسترول ریز و چرب در دیواره‌های سرخرگها می‌شود، و در نتیجه مانع حرکت خون می‌شوند. اما در این دهه، مجلات، رادیو و تلویزیون همه این خبر خوش را منتشر می‌کنند که ما می‌توانیم اثرات این قاتل بزرگ انسان را با زدودن چربی حیوانات کاهش دهیم. گرچه از این دستاورد بزرگ علم پزشکی بسیار خشنود هستیم، اما وقتی در می‌یابیم یافته تازه ما تقریباً سی و پنج قرن از کتاب کتابها عقب‌تر است.

7:28-34 تقدیم کننده سینه حیوان قربانی را در مقابل خداوند تکان می‌داد، و سپس آن قسمت سهم کاهنان می‌شد. و ران راست را در مقابل خداوند تکان دهند، و سپس آن را به کاهن وقت بدهند برای استفاده خود و خانواده‌اش.

7:35-36 در این آیات دوباره می‌خوانیم که سینه و ران راست سهم هارون و پسرانش بودند، از روزی که خدا آنها را برای خدمت کهنانت مسح نموده بود. همانگونه که قبلاً هم گفتیم، سینه نمادی از محبت الاهی است و ران نمادی از قدرت الاهی.

7:37-38 این پاراگراف خاتمه‌ای است بر احکام مربوط به قربانی‌ها، که در 8:6 آغاز شده بود. خدا قسمت بیشتری از کلام خود را به قربانی‌ها و فرامین مربوط به آنها اختصاص داده است زیرا برای او مهم هستند. در اینجا می‌توان کار و شخصیت پسر او را در تمثیل‌هایی بسیار زیبا مشاهده نمود. این نمونه‌ها همه همچون زاویه‌های مختلف يك الماس نور جلال او را که « به روح ازلی خویشان را بی عیب به خدا گذرانید» (عبرانیان 14:9) منعکس می‌کنند. خانم اف. تی. ویگرام شکرگزاری خود را در قالب يك سرود بیان می‌کند:

شخصیت مسیح، سرشاز از هر فیض

زمانی کشته شد، اما اکنون زنده است

و در آسمان پرستشهای ما را می‌خواهد.

### 3- تقدیس کاهنان (بابهای 8:10)

3- الف. مسح کاهنان توسط موسی (بابهای 8-10)

5-1:8 خدا در خروج 28 و 29 دستوراتی مشخص برای مسح هارون و پسرانش به موسی می‌دهد. اکنون در لویان 8-10 می‌خوانیم که چگونه موسی این دستورات را اجرا کرد. او جمات- کاهنان و قوم- را در مقابل در خیمه اجتماع جمع نمود. این یک مراسم عمومی دستگذاری بود.

9-6:8 موسی هارون و نیز پسرانش را به آب غسل داد. سپس موسی رخت‌های کهنانت را به طور کامل به تن رئیس کهنه کرد: پیراهن، ردا، ایفود، زنار، سینه‌بند، اوریم و تومیم، عمامه و تَنَکَه زرین. مسلماً منظره بسیار باشکوهی بود.

13-10:8 سپس موسی ... خیمه و تمام اسباب آن را مسح و تقدیس نمود. این حقیقت که او روغن را بر سر هارون ریخت (و نپاشید) تصویری بسیار زیبا از روح‌القدس است که به طور نامحدود بر خداوند عیسی، کاهن اعظم ما ریخته شد.

سپس موسی پیراهن و ردا و همچنین عمامه را بر تن پسران هارون نمود.

17-14:8 پس از اینکه هارون و پسرانش دست‌های خود را بر سر گوساله قربانی گناه نهادند.

موسی آن را ذبح کرد. حتی والامقام‌ترین رهبران مذهبی نیز گناهکارند و به قربانی خدا نیاز دارند و همچنین بی‌اهمیت‌ترین اعضای یک جامعه.

21-18:8 همچنین موسی قوچی را برای قربانی سوختنی هارون و پسرانش آورد و مراسم مقرر شده را بجا آورد.

29-22:8 قربانی تقدیس (تخصیص) برای هارون و پسرانش نیز قوچ تخصیص بود. این قربانی در مواردی با قربانی مرسوم سلامتی تفاوت داشت؛ در مورد خون (آیات 23 و 24)، و همچنین سوزاندن ران راست و شکستن قرص نان، که معمولاً آن را تناول می‌کردند. از آنجایی که موسی مراسم را بجا آورد، سینه سهم او بود.

موسی خون را بر روی گوش، دست، و پاهای هارون و پسرانش مالید، که به ما یادآوری می‌کند که خون مسیح باید اطاعت، خدمت و روش زندگی ما را تحت تأثیر قرار دهد.

36-30:8 موسی قدری از خون و مقداری از روغن مسیح را بر هارون و پسرانش پاشید. کاهنان باید گوشت قربانی را به همراه نان می‌خوردند.

آیین تقدیس فوق باید به مدت هفت روز تکرار می‌شد، و در این مدت آنها اجازه نداشتند از درب خیمه اجتماع خارج شوند.

### 3-ب. قربانی‌هایی که توسط هارون تقدیم گردید (باب 9)

4-9:1 هارون و پسرانش در روز ششم وظایف کهنانت خود را آغاز کردند. ابتدا آنها باید برای خودشان یک گوساله نرینه برای قربانی گناه و قوچی به جهت قربانی سوختنی تقدیم می‌کردند. سپس باید از طرف قوم تقدیم می‌کردند: یک بزغاله نر برای قربانی گناه؛ یک گوساله و یک بره برای قربانی سوختنی؛ یک گاو و یک قوچ برای ذبیحة سلامتی؛ و یک هدیه آردی.

23-9:5 تمام جمعت به حضور خدا در مقابل خیمه اجتماع نزدیک شدند و هنگامی که هارون به طور کامل تمام دستورات موسی را درباره قربانی گناه، قربانی سوختنی، قربانی قوم، هدیه آردی، ذبیحة سلامتی، قربانی جنبانیدنی (آیات 5-21)، به جا آورد، دست خود را بلند کرد و قوم را برکت داد (آیات 22، 23).

9:24 سپس از قدس اقداس آتش بیرون آمد و قربانی سوختنی را که بر روی مذبح برنجی بود، بلعید. این موضوع نشان از رضایت خدا دارد. آتش خداوند باید به طور مداوم بر روی مذبح قربانی سوختنی روشن نگاه داشته می‌شد.

### 3-پ. توهین ناداب و ابیهو به مقدسات (باب 10)

3-10:1 ناداب و ابیهو، پسران هارون، هر یک با آتش غریب به حضور خداوند بخور سوزانیدند، شاید آتش که از مذبح ... گرفته نشده بود. از آنجایی که مذبح از جلجتا سخن می‌گوید. گویی آنها می‌خواستند نه از طریق کار مسیح بر روی صلیب، بلکه از راهی دیگر به خدا نزدیک شوند. آتش از قدس اقداس بیرون آمد و آنها را در حالیکه در کنار مذبح طلایی در قدس اقداس ایستاده بودند بلعید. در نتیجه موسی به هارون هشدار داد و هرگونه شکایت به منزله طغیان بر علیه رفتار عادلانه خدا است.

7-10:4 پس از اینکه میشاییل و الصافان اجساد آنها را به بیرون از اردوگاه بردند، موسی به هارون و دو پسری که مانده بودند گفت نباید عزاداری کنند، بلکه باید در حالیکه تمام خاندان اسرائیل برای آتش خشم خدا ماتم می‌گیرند در خیمه بمانند.

11-10:8 برخی از دستوراتی که در این آیات مبنی بر اجتناب از نوشیدن شراب و یا مسکرات در خیمه چنین استنباط کرده‌اند که احتمالاً ناداب و ابیهو در حین تقدیم آتش غریب، مست بودند.

18-10:12 موسی به هارون و الیعازر و ایتمار و پسرانش دستور داد از هدیه آردی تناول کنند (آیات 12، 13) و نیز از سینه قربانی جنبانیدنی (آیات 14، 15). هنگامی که به دنبال بز قربانی گناه که باید به جهت قوم قربانی می‌شد، می‌گشت، دریافت که الیعازر و ایتمار ... پسران هارون، به جای اینکه قربانی

را در مکان مقدس یخورند آن را سوزانیده‌اند. (شاید از آتش خشم خدا که بر برادرانشان نازل شده بود، می‌ترسیدند.) حکم این بود که اگر خون قربانی گناه به مکان مقدس آورده شود، باید قربانی سوخته می‌شد (6:30). اما اگر چنین نمی‌شد، باید خورده می‌شد (6:26). موسی به آنها یادآوری کرد که در این مورد خون نباید به اندرون قدس آورده می‌شد؛ از این رو باید گوشت قربانی را می‌خوردند (آیات 16:18).

10:19،20 هارون در پاسخ به نکوهش موسی شرح داد که آنها قربانی گناه و سوختنی را همانگونه که گفته شده بود بیرون برده بودند، اما با توجه به مجازات سختی که خدا در مورد ناداب و ابیهو اتخاذ کرده بود، خوردن قربانی گناه منظور مردد بود که آیا نظر خداوند واقع می‌شود یا خیر. موسی این دلیل را پذیرفت.

با پایان یافتن باب 10 نکات مربوط به کهنات نیز پایان می‌یابد.

#### 4- پاك و ناپاك (بابهاي 11-15)

پنج باب بعدی از موضوعات نجس و پاك در حین انجام مراسم سخن می‌گویند. در نظر یهودیان اعمالی بودند که از نظر اخلاقی اشتباه نبودند اما با اینحال مانعی در برابر شرکت در مراسم و آیین یهود بودند. کسانی که نجس می‌شدند تا هنگامی که پاك نمی‌شدند نمی‌توانستند در مراسم شرکت کنند. خدا حتی از خوراک‌ها نیز برای تفاوت میان پاكی و ناپاكی استفاده می‌کرد.

#### 4- الف. خوراکهای حرام و حلال (باب 11)

11:1-8 حیوان پاك حیوانی بود که سم داشت و سم آن کاملاً شکافته بود و نشخوار می‌کرد. عبارت "هر شکافته سم که شکاف تمام دارد" به نظر يك مقصود را در شکل گوناگون بیان می‌کند. اما مقصود به طور کلی این است که سم باید کاملاً شکافته باشد. حیوانات پاك گاو، گوسفند، بز، گوزن و غیره بودند. حیوانات ناپاك حیواناتی همچون خوک، شتر، بز کوهی، خرگوش و غیره بودند. کاربرد روحانی این قسمت می‌تواند این باشد که مسیحیان باید بر کلام خداوند تمرکز و تفکر کنند (نشخوار کردن) و طریق زندگی آنها با دنیا جدا باشد (شکافته سم).

اما خدا همچنین قصد داشت با منع کردن گوشت حیواناتی که احتمال انتقال بیماری در آنها زیاد بود، قوم خود را سلامت نگاه دارد، چرا که در آن زمان نه یخچالی وجود داشت و مردم در دامداری از آنتی‌بیوتیک استفاده نمی‌کردند.

11:9-12 ماهی پاك یا حلال ماهی‌ای بود که فلس باله داشت. ماهیانی همچون مار ماهی، ماهی اسقومری، حلزون ناپاك بودند. فلس معمولاً زره مسیحی را به تصویر می‌کشد، که او را در دنیای

مقاصم حفظ مي‌کند، در حالیکه باله‌ها نمادي از قدرت الهي هستند که او را قادر مي‌سازد تا در دنيا پيش برود بودن اينکه مغلوب آن شود.

19-11:13 پرندگان شکارچي نیز ناپاک بودند. به عنوان مثال، عقاب، باز، کرکس، خفاش. (خفاش‌ها جزو پرندگان به شمار نمي‌روند اما واژه عبري که براي پرنده به کار رفته است معنای وسيعي دارد و تمام "جانوار بالدار" را شامل مي‌شود.)

23-11:20 آیات 20-23 در مورد اشکال مشخصي از حشرات بالدار سخن مي‌گيد. تنها حشراتي که مي‌جهند به عبارتي حشراتي همچون ملخ، ملخ مهاجم و جیرجیرک.

28-11:24 لمس کردن جسد هر يك از مخلوقات فوق باعث مي‌شد فردي که آن را لمس کرده است تا شب نجس باشد. در اینجا به طور خاص به حیواناتي که بر روي پنجه راه مي‌روند اشاره شدن است حیواناتي همچون سگ، شیر، ببر، خرس و غيره.

38-11:29 سپس حیوانات خزنه توصیف شده‌اند- موش کور، موش، سوسمار بزرگ، مارمولک، سوسمار کوچک، سوسمار صحرايي، آفتاب پرست. شخصي که اجساد این حیوانات را لمس مي‌کرد تا شب نجس بود. اگر جسد مرده هر يك از این حیوانات درون شرفي مي‌افتاد، آن ظرف باید در آب شسته مي‌شد و تا شب نجس بود، و ظروف سفالي نیز باید شکسته مي‌شدند. هر خوراكي که در آن ظرف بود نجس مي‌شد و افراد نباید آن را مي‌خوردند. در اینجا دو ... ذکر شده است - جريان آب رواني که با جسد مرده این حیوانات تماسي داشت نجس نبود، و نیز اگر جسد بر روي بذر مي‌افتاد آن بذر نجس نبود البته اگر آب بر بذر ريخته نشود.

11:39،40 هرگونه برخورد شخص با حیوان پاكي که مرده باشد ( مگر اینکه ذبح شده باشد) و یا خوردن غير عمدي گوشت آن باعث مي‌شد که شخص تا شب نجس باشد. لباسهايش باید شسته مي‌شد.

47-41:11 آیات 41-43 در مرود کرم‌ها، مارها، خزندگان و حشرات است. هر کس که آنها را مي‌خورد نجس مي‌شد. خدا در واقع با صادر کردن این احکام، درس‌هايي در مرود قدوسيت خود و ضرورت مقدس بودن قوم به آنها مي‌آموخت (آیات 44-47).

در مرقس 7:18،19 خداوند عيسي اعلان نمود که تمام خوراک‌ها پاک هستند. و پولس تعليم داده است که اگر غذايي با شکرگزاري دريافت شود نباید آن را رد کرد ( 1 تیموتاوؤس 1:4-5). اما با اينحال این خوراکیها نباید در زمرة خوراک‌هايي باشند که آلوده هستند، یا از نشر فرهنگي پذیرفته شده نيستند و یا شخص در گوارش و هضم آن مشکل دارد.

#### 4- ب. تطهیر پس از زایمان (باب 12)

12:1-4 باب 12 از نجاست ناشی از زایمان سخن می‌گوید. رنی که پسر می‌زاید به مدت هفت روز نجس بوده به تعداد روزهایی که برای عادات ماهانه نجس بود. در روز هشتم پسر باید ختنه می‌شد (آیه 3). روز هشتم مطمئن‌ترین روز بود، زیرا که خونریزی دیگر قطع می‌شد. امروزه با تزریق ویتامین K خونریزی بلافاصله قطع می‌شود. سپس سی و سه روز دیگر نیز در خانه می‌اند به طوریکه نمی‌توانست شیء مقدس را لمس نماید و یا به مکان مقدس داخل شود، به عنوان مثال حیاط اطراف صحن.

12:5 در مواردی که بچه دختر بود، مادر به مدت دو هفته نجس بود، و وضعت و وضو روز دیگر نیز در خانه می‌ماند.

12:6-8 در پایان ایام طهارت، مادر باید يك بره یکساله برای قربانی سوختنی و يك جوجه کبوتر یا فاخته برای قربانی گناه تقدیم می‌کرد. اگر او آنقدر فقیر بود که نمی‌توانست بره‌ای قربانی کند، می‌توانست دو فاخته یا دو کبوتر تقدیم کند - یکی برای قربانی سوختنی و یکی دیگر قربانی گناه. مادر خداوندان دو پرنده تقدیم کرد (لوقا 2:22-24)، و این حاکی از فقر عیسی به هنگام تولد بود.

شاید به نظر نجاست ناسی از تولد بچه عجیب باشد، زیرا که ازدواج پیش از ورود گناه به جهان مقرر شده بود، چرا که کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که ازدواج امریست مقدس، و علاوه بر این خدا به مرد گفت که بارور و کثیر شود. احتمالاً نجاست به ما یادآوری می‌کند که بجز خداوندما، همه در گناه به دنیا می‌آییم و نطفه همة ما در گناه شکل می‌گیرد (مزمور 51:5).

#### 4- پ. علایم جذام (باب 13)

باب 13 از علایم جذام سخن می‌گوید و باب 14 درباره طهارت آن. عقاید در مورد ماهیت جذام در کتاب مقدس گوناگون است. جذامیان کتاب مقدس معمولاً در یکجا ساکن نبودند، بدشکل نبودند، هنگامی که جذام به طور کامل آنها را فرا می‌گرفت بی‌آزار بودند، و گاهی اوقات نیز شفا می‌یافتند.

کاهنان به نوعی نیز نقش طبیب را ایفا می‌کردند، این موضوع شاید اشاره‌ای زیرگانه به ارتباط روحانی و فیزیکی باشد. انسان يك موجود سه بعدی است، و اگر چیزی یکی از این سه بعد را تحت تاثیر قرار دهد بر دیگر ابعاد نیز تاثیر خواهد گذاشت.

مسلمباب 13 بسیار دشوار است، چرا که توصیفات تخصصی از بیماری جذام و غیر جذام و "جذام" در خانه‌ها و یا لباس‌ها مطرح می‌کند. دکتر ار. کی. هرسیون، کسی که علاوه بر تحصیلات پزشکی يك

دانشمند عبري است، خاطرنشان مي‌سازد که "هیچ ترجمه‌اي را نمی‌توان براي وضعیت‌هایی که عبارت عبري پوشش می‌دهند رضایت‌بخش دانست، اما این مرض آنقدر وسیع است که بیماری که ما آن را هانسن (Hansen) می‌نامیم پوشش دهد."

او حقایق مسلمی را درباره‌ی واژه عبري و ترجمه یونانی آن به اختصار بیان می‌کند (که معادل‌های آن در زبان انگلیسی Leprous، Leper، Leprosy و در زبان فارسی جذام (برص)، جذامی (مبروص)، هستند)؛

واژه عبري Sárát ریشه در مفهوم "بیماری پوستی" دارد، و در حقیقت يك توصیف کلی است تا اینکه يك توصیف خاص باشد. در عهدعتیق این واژه کاربرد وسیع‌تری داشت و كيك یا زدگی در منسوجات را شامل می‌شد، و همچنین ترشحات معدنی بر روی دیوارهای ساختمان و شاید پوسیدگی چوب در چنین بناهایی. در ترجمه هفتاد Lxx، واژه عبري در زبان یونانی Lepra ترجمه شده است، که به نظر می‌رسد خود مفهوم و ماهیت آن قدری نامشخص است. نویسندگان طب یونانی این واژه را برای توصیف بیماری که پوست افراد را لایه لایه و یا پوسته پوسته می‌کند به کار می‌بردند، در حالیکه هرودتوس آن را مرتبط با بیماری‌اي به نام Leuke می‌داند که نوعی ترشح پوستی است که به نظر همان الفاتیازیس (Elephantiasis) یونانی است، و از این شبیه به جذام امروزی است (بیماری هانسن).

13:1-3 پاراگراف آغازیت توصیف می‌کند که چگونه کاهن باید علایم جذام را در شخص جستجو کند.

8-13:4 سپس رویه درست در موارد مشکوک شرح داده شده است. شخص باید به مدت هفت روز قرنطینه می‌شد. اگر لکه گسترش نیافته بود، سپس او باید به مدت هفت روز دیگر نیز در قرنطینه می‌ماند. سپس اگر به نظر می‌رسید که بیماری متوقف شده است، کاهن آن شخص را پاک اعلام می‌کرد. اگر فساد بر روی پوست پس از معاینه دوم گسترش یافته بود، سپس ماهن او را نجس اعلام می‌کرد.

11-13:9 در مواقعی که جذام کهنه یا مزمن بود، کاهن شخص مبروص را پاک اعلام می‌کرد.

13، 13:12 در کمال تعجب زمانی که بدن شخص بیمار کاملاً سفید می‌شد، دیگر بیماری در او فعال نبود، و کاهن او را پاک اعلام می‌کرد.

13، 13:14، 15 اما اگر در بدن شخص زخم تازه‌اي پیدا می‌شد، کاهن او را ناپاک اعلام می‌کرد. این مورد جذام بود.

13، 13:16، 17 در مواردی که زخم تاره شفا می‌یافت و سفید می‌شد، باز هم شخص پاک بود.

13:18-23 در این قسمت سه نشانهٔ ممکت در مورد دمل ذکر شده است. هنگامی که بر کاهن مسلم شد که دمل از پوست گودتر است، و موی آن سفید شده، باید بیمار را ناپاک اعلام کند (آیات 18-20). در مدت زمانی که بیمار در قرنطینه است و زخم در این دورهٔ هفت روزه پیشروی نکرده است، شخص پاک است (آیهٔ 23).

13:24-28 این آیات از برص ناشی از سوختگی پوست سخن می‌گویند. در مواردی که از نشانه‌های بیماری برص مبرهن بود، کاهن شخص را ناپاک اعلام می‌کرد (آیات 14، 15). یک دورهٔ هفت روزه آزمایشی کافی بود تا مشخص شود که این وضعیت در حال پیشروی است و شخص مبروص است (آیات 26، 27). اما اگر لکهٔ براق در جای خود می‌ماند، شخص مبروص نبود (آیهٔ 28).

13:29-37 این آیات دربارهٔ مواردی سخن می‌گویند که لکه‌ای در سر یا چانه باشد. مواقعی که جذام مرد یا زن از روی علائم ثابت شده باشد، باید آن شخص را ناپاک اعلام می‌کردند (آیات 29، 30). مواردی که کاملاً مشخص نبود (آیات 31-37)، مشخص به مدت هفت روز قرنطینه می‌شد. اگر زخم پیشروی نکرده بود، شخص سر خود را می‌تراشید و هفت روز دیگر نیز منتظر می‌ماند. اگر لکه عمیق‌تر می‌شد شخص ناپاک بود. اگر لکه متوقف شده بود، شخص پاک بود.

13:38، 39 اگر مرد یا زنی لکه‌های سفید بر پوست بدن خود داشت، پاک بود. بر طبق ترجمهٔ نیمه تخصصی هریسون، "آن لکه‌ای بود که در پوست پدید آمده بود."

13:40-44 میان طاسی معمولی و آنچه که ناشی از جذام بود تفاوت وجود داشت. 13:45، 46 جذامی شخص بیچاره‌ای بود. او را بیرون از اردوگاه اسرائیل قرار می‌دادند و باید لباس‌های پاره می‌پوشید و سرش برهنه پریشان می‌بود. هرگاه که مردم به او نزدیک می‌شدند او باید لبها یا شاربهای خود را می‌پوشاند و فریاد می‌زد، نجس! نجس! در اینجا باری دیگر با نمونه‌ای از داروی پیشگیرنده مواجه می‌شویم. انزوا یکی از داروهای پذیرفته شده برای پیشگیری از شیوع عفونت بود.

13:47-59 جذام در رخت احتمالاً اشاره‌ای است به نوعی از قارچ یا کپک بر روی رخت پشمی یا کتان. هریسون فلسفهٔ از بین بردن رختهای آلوده را اینچنین شرح می‌دهد:

"کپک‌ها در واقع رشد قارچی بر روی جسد مرده یا فاسد شدهٔ حیوان یا گیاهان هستند، که به شکل لکه‌های گوناگون ایجاد می‌شوند."

او در ادامه کاربرد روحانی از این موضوع به دست می‌دهد:

"رشد قارچ‌ها با حضور خود تمام قسمت‌ها را آلوده می‌سازند، همانگونه که فساد گناه اولیه به تمام جنبه‌های شخصیت انسان سرایت کرد."

قوم بيهوه بايد هم از درون و هم از بيرون پاك باشند:

آه، قلبي شکرگزار براي خدا،

قلبي رها از اسارت گناه،

قلبي که توکل کرده است بر اين خون،

خوني که آزادانه براي من ريخته شد.

قلبي فروتن و توبه‌کار و افتاده

با ايمان، حقيقي و پاکيزه

نه مرگ و نه حیات تواند

او را جدا کند از او که ساکن است در آن چارلز وسلي

#### 4- ت. غسل جذاميان (باب 14)

7-14:1 در اینجا مراسم غسل يك جذامي را پس از شفا يافتن او مي‌خوانيم: ابتدا کاهن بايد در بيرون از اردوگاه او را بازرسي کند. اگر شفا يافته بود، بايد دو گنجشک زنده، همراه با چوب ارز (سرو) و قرمز و زوفا تقديم مي‌کرد. چوب درخت سرو و زوفا که يکي از درختي رفيع و ديگري از درختي کوتاه بودند، نمادي از داوري خدا بر تمام انسان‌ها و تمام چيزهايي که در جهان است، از بزرگترين تا کوچکترين، هستند. قرمز ارتباط نزديکي با اشعيا 1:18 دارند، از اين رو احتمالاً در اینجا داوري خدا بر گناهان باشد. يکي گنجشک بر آب روان کشته مي‌شد، و ديگري همراه با چوب ارز و قرمز و زوفا که پاك اعلان مي‌کردند. سپس گنجشک زنده را رها مي‌کردند.

جذام به اشکال گوناگون نوعي از گناه است. جذام انسان را ناپاک مي‌کند، او را از اردوگاه خدا و قوم خدا بيرون مي‌کند، و قرباني خود را به وضع اسفناکي دچار مي‌سازد. به همين خاطر است که بايد خونبي ريخته شود (خون مسيح) و آب روان (عمل احيا کننده روح القدس) در پاك کردن يك جذامي. هنگامي که شخص گناهکار با تبه و ايمان به سوي خداوند مي‌آيد، مرگ و قيام مسيح (که دو گنجشک نمادي از آنها هستند) براي وي محسوب مي‌شود. خون توسط قدرت رول القدس بر شخص پاشيده مي‌شود، و او در نظر خدا پاك محسوب مي‌شود.

صخرة اعصار، براي من شکافته گرديد

بگذار خود را در درونت غني نمايد

بگذار آب آن خون

که از شکافت می‌جوشد

برای گناهم مرهمی باشد

مر از حس تقصیر و قدرت آن پاک نماید.

آگوستوس ام. توپلادی

18:14-20 جذامی پاک شده رخت خود را می‌شست، تمام موهای خود را می‌تراشید، و بدن خود را غسل می‌داد (آیه 8). سپس اجازه می‌یافت وارد اردوگاه شود، اما نمی‌توانست به مدت هفت روز دیگر به خیمه خود برود. پس از هفت روز باری دیگر خود را غسل می‌داد و موهای خود را می‌تراشید و اعلان می‌کردند که او پاک است (آیه 9). در روز هشتم، او قربانی نزد خداوند می‌آورد (آیات 10، 11): یکی قربانی جرم (آیات 12-18)؛ یک قربانی گناه (آیه 19)؛ یک قربانی سوختنی (آیه 20). کاهن خون را به گوش‌ها، دست‌ها و پاهای جذامی می‌مالید (آیه 14). این عمل نشانی از شنیدن کلام خدا، انجام اراده خدا، و سولک در طریق‌های خدا است.

14:21-33 اگر شخص جذامی آنقدر فقیر بود که نمی‌توانست حیوانات قربانی را تقدیم کند، سپس اجازه داشت دو فاخته یا جوجه کبوتر، یکی برای قربانی گناه و دیگری برای قربانی سوختنی، تقدیم کند، اما باز هم باید بره‌ای برای قربانی جرم تقدیم می‌کرد.

همراه با قربانی جرم، گناه و سوختنی باید هدیه آردي نیز تقدیم می‌شد.

33:14-53 سرانجام احکام مربوط به کشف جذام در درون یک خانه را می‌خوانیم. این احکام مربوط است به زمانی که قوم سرانجاک به کنعان می‌رسیدند و در یک خانه دایمی ساکن می‌شدند و نه دیگر در خیمه. "جذام" در خانه احتمالاً اشاره‌ای بود به کپک یا قارچ.

خداوند مقرر فرمود تا خانه پیش از ورود کاهن خالی شود تا مبدا اسباب ناپاک اعلام شوند و یا قرنطینه بمانند (آیات 36، 38). ابتدا تنها سنگ‌ها آلوده از خانه خارج می‌شدند. اما اگر جذام ادامه می‌یافت باید خانه را خراب می‌کردند. (آیات 39-45). در مواردی که جذام در خانه بماند و منتشر نشود، کاهن مراسمی را مشابه با مراسمی مشخص جذامی را به جا می‌آورد (آیات 48-53).

54:14-57 این پاراگراف خلاصه‌ای باب‌های 13 و 14 هستند.

4-ث. تطهیر پس از ترشحات بدن (باب 15)

15:1-18 باب 15 از ناپاکی ناشی از ترشحات بدن، چع طبیعی و چه در حین بیماری سخن می‌گوید. آیات 1-12 به نظر اشاره‌ای باشند به ترشحات بدن مرد، ناشی از بیماری‌هایی همچون سوزاک. مراسم طهارت در آیات 13-15 شرح داده شده است. آیات 16-18 اشاره‌ای هستند به انزال منی، غیر ارادی (آیات 16، 17) و ارادی (آیه 18).

19:15-33 آیات 19-24 از عادت ماهانه زنان سخن می‌گویند. این عمل مستلزم هیچ قربانی‌ای نبود. آیات 25-30 ترشح خون از بدن یک زن را شرح می‌دهند، البته نه خون ناشی از عادات ماهانه بلکه غیر عادی. آیات 31-33 خلاصه‌ای از این باب هستند.

## 5- روز کفاره (باب 16)

بزرگترین روز در تقویم یهودی روز کفاره بود (عبرانیان، Yom Kippur). هنگامی که رئیس کهنه با خون قربانی وارد قدس اقدس می‌شد تا برای خود و برای قوم قربانی بگذارند. این روز در روز دهم از ماه هفتم، و پنج روز پیش از عید خیمه‌ها قرار داشت. اگر چه روز کاره معمولاً همراه با اعیاد یهوه ذکر نشده است، اما معمولاً این عیر زمانی برای روزه و انزوا بود (27:23-32).

بد نیست به 9 یاد آوریم که در این باب قدس اقدس، مکان مقدس نامیده شده است، و مکان مقدس، خیمه اجتماع نامیده شده است.

16:1-3 اهانت دو پسر هارون، ناداب و ابیوه، پشت صحنه این دستورات را شکل می‌دهند. اگر رئیس کهنه نیز روزی غیر از روز کفاره به قدس اقدس داخل می‌شد به سرنوشت پسران هارون دچار می‌شد. و او باید در آن روز خون گوساله‌ای برای قربانی گناه و یک قوچ برای قربانی سوختنی تقدیم می‌کرد.

4:16-10 دنبال کردن ترتیب وقایع گندان ساده نیست، اما ترتیب زیر طرح کلی مراسم به شمار می‌رود. ابتدا رئیس کهنه استحمام می‌کرد و لباس کتان می‌پوشید (آیه 4).

او یک گوساله و یک قوچ را به خیمه می‌آورد و آنها را برای خود و برای خانواده‌اش تقدیم می‌کرد، گوساله برای قربانی گناه و قوچ برای قربانی سوختنی (آیه 3). او دو بزغاله و یک قوچ را که قرار بود برای قوم قربانی کند می‌آورد، بزغاله‌ها به جهت قربانی گناه و قوچ به جهت قربانی سوختنی (آیه 5). او دو بزغاله را در مقابل درب خیمه قربانی می‌کرد و قرعه می‌انداخت و یکی را برای خداوند قربانی می‌کرد و دیگری را در بیابان رها می‌کرد (آیات 7، 8). عزازیل به معنای "بز عزیمت" است.

11:16-22 سپس او گوساله را به عنوان قربانی گناه می‌کشت... برای خودش و برای خانه‌اش (آیه 11). سپس او مجرمی از ذغال‌های سوزان را بر می‌داشت به همراه مشت‌های بخور خوشبو و آن را به قدس اقدس می‌برد. او در آنجا بخور را بر روی ذغال‌های داغ می‌ریخت، و ابری از بخور ایجاد

می‌کرد که تخت رحمت را می‌پوشاند (آیات 12، 13). او به سمت مذبح قربانی سوختنی باز می‌گشت تا قدری از خون گوساله را بردارد، و آن را به قدس اقداس می‌برد و آن را بر تخت رحمت و مقابل آن هفت بار می‌پاشید. (آی 14). او بزغاله‌ای را که برای قربانی گناه انتخاب شده بود می‌کشت (آیه 8)، و خون آن را همانند خون گوساله روی تخت رحمت و مقابل آن می‌پاشید (آیات 9، 10)، این خون برای قدس اقداس کفاره‌ای بجهت ناپاکی بنی‌اسرائیل محسوب می‌شد (آیه 16). کاهن همچنین با پاشیدن خود کفاره‌ای برای خیمه و برای مذبح قربانی سوختنی می‌ساخت (آیات 18، 19). گرچه در اینجا جزئیات به طور واضح داده نشده است. کفاره از قدس اقداس آغاز می‌شد، سپس به بیرون و مسکن قدس و سرانجام به مذبح برنجین می‌رسید (آیات 15-19). پس از اینکه او هر دو دست خود را بر روی بز عزازیل می‌گذاشت (آیه 8) و گناه قوم را اعتراف می‌کرد (آیات 10، 20، 21)، مردی منتخب بز را در بیابان رها می‌کرد (آیات 21-42).

این دو بز نمادی از دو جنبه مختلف کفاره هستند: «یکی شخصیت و تقدس خدا را نشان می‌دهد و دیگر نیاز گناهکار به برداشته شدن گناهانش». دست‌گذاری هارون بر سر بز زنده، تصویری است از قرار گرفتن گناهان اسرائیل (گناه ما) بر مسیح، تا اینکه این گناهان تا به ابد برداشته شوند (آیه 21).

نویسنده این سرود این موضوع را اینگونه بیان کرده است:

گناهانم بر عیسی قرار گرفت،

بره بی عیب خدا؛

او همه را متحمل شد و مرا آزاد کرد

از زیر بار ملعون

گناهم را عیسی متحمل شد؛

او لکه‌های قرمز را پاک نمود

با خون پربهای خود

و هیچ لکه‌ای باقی نماند

هوارتیون بونار

33-16:22 رئیس کهنه در جای مقدس بدن خود را به آب غسل می‌داد، شاید در يك ح.ضچه، سپس رخت جلال و زیبایی را می‌پوشید (آیات 23، 24 الف). سنت یهودی می‌گوید که رخت‌های کتان سفید دیگر هیچگاه بر تن کسی نشد. سپس رئیس کهنه دو قنچ را به عنوان قربانی سوختنی قربانی می‌کرد،

یکی برای خود و دیگری برای قوم (آیه 24ب). او چربی قربانی‌های گناه را بر روی مذبح می‌سوزانید، در حالیکه، پوست، گوش و احشای آنها بیرون از اردوگاه سوزانیده می‌شد (آیات 25، 27). حتی پوست قربانی سوختنی، که معمولاً به کاهش می‌رسید (7:8) سوزانیده می‌شد. بر طبق کتاب تلمود یهود، رئیس کهنه سپس از قربانی شامگاه به قدس اقدس می‌رفت تا مجمد (بخور سوز) را بیاورد. در مراسم کفاره، قوم به گناهان خود اعتراف می‌کردند و از کار کردن اجتناب می‌ورزیدند (آیه 25).

از این عبارات مبرهن است که رئیس کهنه حداقل چهار بار به قدس اقدس داخل می‌شد. این موضوع با عبرانیان 7:9-12 در تضاد نیست؛ جائیکه گویی رئیس کهنه تنها یکبار در سال می‌توانست وارد قدس اقدس شود.

16:24 علی‌رغم مراسم فطیر این روز، ناکامی این رسوم در بخشش گناهان به طور واضح در عبارت "سالی یکبار" مشخص است. "زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند". (عبرانیان 10:4) در مقابل کار مسیح قرار دارد، که توسط آن گناهان بشر به طور کامل و برای همیشه برداشته شد، و نه تنها به مدت یکسال! اسحق واتس (Issue Watts) این موضوع را اینگونه بیان کرده است:

نه خون هر چه حیوان

ذبح شده بر مذبح یهود

تواند دهد به وجدان گناهکار آرامش

و نه تواند بشوید لکه‌هایش

اما مسیح، بره آسمانی

تمام گناهان ما را برداشت

قربانی نامی برتر

و خونی غنی‌تر از آنها

## 6- قوانین مربوط به قربانی (باب 17)

## 7. قوانین مربوط به رفتارهای شخصی (باب 18-22)

9-17:1 مفسران عقاید گوناگونی درباره آیات 1-9 دارند. (1) این عبارت کشتن حیوانات را، حتی برای استفادة خوراکی، منع کرده است، بدون اینکه آنها را در خیمه قربانی کنند. (2) این آیات تقدیم

حیوانات قربانی را در صحرا یا هر مکانی غیر از خیمه اجتماع منع می‌کند. (3) این آیات کشتار حیوانات قربانی را تا مادامیکه قوم در بیابان بودند منع می‌کند، این حکم به محض ورود قوم به سرزمین موعود تغییر کرد (تثنیه 12:15).

واژه عبری [که در kjv "ارواح شریر و در ASV "Goatdemons" ترجمه شده است به طور تحت‌اللفظی به معنای "پشمالو" است. در اشعیا 13:21 و 14:34 در نسخه Authorized "وحوش" و در ASV "بزهای وحشی" ترجمه شده است]. وحشی (ساتیر) یک موجود خیالی است، که نیمی از بدن آن بز و نیمی دیگر انسان است، و ذاتی شیطانی دارد. در مصر مرد بزنا و پَن (خدای چوپانان) پرستش می‌شد. چنین به نظر می‌رسد که این واژه مبین این حقیقت است که این افراد در مصر احتمالاً خدای دروغین را پرستش می‌کردند.

14-17:10 نوشیدن خون نیر منع شده بود. خون برای کفاره بود، و نه برای تغذیه. "جان جسد در خون است" (آیه 11). اصلی که در ورائی کفاره نهفته است در واقع حیات در مقابل حیات است. از آنجایی که مزد گناه موت است، که با ریختن خون به تصویر کشیده شده است، پس "بدون ریختن خون آمرزشی نیست". بخشش به این خاطر میسر نیست که از عاقبت گناه چشم پوشیده شده است. بلکه فرد گناه به قربانی‌ای انتقال یافته است که حیات او فدا شده است. آیه 11 یکی از آیات کلیدی در لایوان است و باید آن را حفظ کرد. هنگامی که حیوانی کشته می‌شود، بلافاصله خون او جاری می‌شود. حیوانی که به محض مردن خورش جاری نمی‌شد نجس بود.

17:15، 16 این موضوع اشاره‌ایست به شخص که نادانسته گوشت حیوانی را که خورش جاری نشده بود. تدبیری برای پاک‌سازی آن اندیشیده شده است. اما اگر او این دستور را نمی‌پذیرفت باید تنبیه می‌شد.

#### 7- الف. قوانین مربوط به روابط جنسی (باب 18)

18:1-5 باب 18 از انواع گوناگون ازدواج‌هایی نا مشروع که اسرائیلیان در مصر با آنها آشنا شده بودند سخن می‌گوید. طبق این آیات بنی اسرائیل باید در سرزمین کنعان به طور کامل از این رسوم دست می‌کشیدند.

18-18:6 عبارت "کشف عورت" در اینجا به معنای "ارتباط جنسی داشتن" است. آیه 6 يك اصل کلی را بیان می‌کند. ازدواج با خویشاوند نزدیک منع شده است، چه مادر (آیه 7)؛ نا مادری (آیه 8)؛ خواهر یا خواهر ناتنی (آیه 9)؛ مادر بزرگ (آیه 10)؛ دختر نامادری (آیه 11)؛ عم (آیات 12، 13)؛ عمو (آیه 14 الف). طب امروزی تایید می‌کند که در ازدواج‌های خویشاوندان خونی، کمبودهای ذهنی و یا فیزیکی گاهی اوقات در فرزندان نمایان می‌شود. اما این ممنوعیت تا به ازدواج با خویشاوندان ... نیز

گسترش یافت (آیات 14 ب الي 16). دلیلی که گاهی برای این اصل اخلاقی اریه می‌شود این است که واژه «یک تن» در پیدایش 2:24 توصیف کننده یم ارتباط فامیلی است که بسیار نزدیک و همیشگی است که حتی وصلت با خویشان نیز زناي با محارم تلقی می‌شود. مرد نباید با دختر خوانده خود و یا با نامادری خود ازدواج می‌کرد. (آیه 17) یا تا مادامیکه زنش زنده بود با خواهر زنش ازدواج می‌کرد (آیه 18). به مانند حا و فننه (1 سموئیل 1:1-8). آیه 16 بعدها در تثنیه 5:25 اصلاح شده: اگر مردی بدون اینکه اولادی بیاورد بمیرد، برادر او موظف بود با زن بیوه او ازدواج کند.

18:19-21 زابطه جنسی با زن در دوران ماهانه منع شده بود. زنا با زن همسایه منع شده بود. همچنین اعمال ناشایستی که با پرستش بت مولك همراه بود، که در آن نوزادان را از آتش می‌گذارند منه شده بود (1 پادشاهان 33:10؛ ارمیا 32:35). مولك خدای عمونی‌ها بود: تمثال او در دره هینون قرار داشت. فرانسیس شیفر این مراسم را اینگونه توصیف کرده است:

بر طبق روایت سوراخی در پشت این بت برنجی بود، و پس از اینکه آتش در درون آن روشن می‌کردند، والیدین به نوبت می‌آمدند و نوزاد نسخت زاده خود را در دستان باز مولك قرار می‌داند. بر طبق این سنت، والدین حق نداشتند ابراز احساسات کنند، و طبل‌ها نواخته می‌شوند تا در حین اینکه نوزاد در دستای مولك می‌سوخت فریادهای او شنیده نشود.

18:22،23 همجنسبازی منع شده بود، همچنین از تباط جنسی با حیوان. خدا با منع همجنسبازی شاید بیماری‌های واگیري همچون ایدز را پیشبینی می‌کرد و از این رو در صدد نجات قوم خود بود.

18:24-30 آیات 1-23 به قوم می‌گوید که چه کارهایی نباید انجام دهند آیات 24-30 به آنها می‌گوید که چرا نباید این کارها را انجام دهند. بی دلیل نیست که ناپاکی و بت‌پرستی در يك باب مطرح شده‌اند (همچنین نگاه کنید به باب 20). سیرت اخلاقی انسان ثمره الاهیات او و یا تصویری که او از خدا در ذهن دارد است. کنعانیان تصویری گویا از انحطاطی که بت‌پرستی به ارمغان می‌آورد بودند (آیات 24-27). هنگامی که بنی‌اسرائیل سرزمین موعود را تصاحب کردند، آنها هزاران نفر را به دستور یهوه کشتند. هنگامی که انحطاط اخلاقی کنعانیان را مورد توجه قرار ندهیم، همانگونه که در آیات 24-30 توصیف شده است، می‌توانیم در یابیم که چرا خدا با آنها با خشونت رفتار کرد.

#### 7- ب. قوانین مربوط به زندگی روزانه (باب 19)

19:1-25 مبنای قدوسیت را می‌توان در عبارت "من یهوه خدای شما قدوس هستم" یافت. (آیه 2). احکام گوناگون در مورد رفتار قوم را می‌توان در این آیات یافت: مادر و پدر باید مورد احترام قرار می‌گرفتند (آیه 2) – فرمان پنجم.

سبب‌های خدا باید نگاه داشته می‌شد (آیه 3) – فرمان چهارم.

بت‌پرستی منع شده بود (آیه 4) – فرمان دوم.

خوردن قربانی سلامتی در روز سوم شده بود (آیات 5-8).

زمینداران به هنگام برداشت محصول باید مقدار از محصول خود را برای فقرا و غریبه‌ها بر روی زمین باقی می‌گذاشتند (آیات 9، 10). برای مثال تاکستان‌ها و مزارع غلات ذکر گردیده‌اند، و فهرست کاملی از آیه نگردیده است.

دزدی، فریب، و دروغ‌گویی منع شده بود (آیه 11) – فرمان هشتم.

قسم خوردن به نام خدا برای جمله‌ای غلط ممنوع بود (آیه 12) – فرمان سوم.

کلاهبرداری، چپاول، یا نپرداختن دستمزد منع شده بود (آیه 13).

دشنام دادن به کرها یا انداختن آنها مورد نکوهش قرار گرفته بود (آیه 14).

قوم باید احترام به یهوه را با احترام گذاشتن به یکدیگر نشان می‌دادند (25:17). قنم باید با ضعیفان (آیه 14)، سالخورده‌گان (آیه 32)، فقیران (25:26، 43) با محبت رفتار می‌کرد.

طرفداری در قضاوت منع شده بود (آیه 15).

تهمت و توطئه چینی منع شده بود: «همسایه خود را تنبیه کن، و به سبب او محتمل گناه مباش» (آیه 17). مشکلات باید به طور آشکار و به سرعت حل شوند مبادا این مشکلات موجب خصومت درونی شده و در نهایت منجر به گناه آشکار شوند.

انتقام یا کینه‌ورزی منع شده بود (آیه 18). قسمت دوم آیه 18، همسایه خود را مثل خویشان صحبت نما خلاصه‌ای از تمام شریعت است (غلاطیان 5:14). عیسی گفت که این دومین فرمان بزرگ شریعت است (مرقس 12:31). بزرگترین حکم را در تثبیه 5، 4، 6 می‌بینیم.

آیه 19 به طور کلی وادار کردن جماع حیوانات همجنس باز را منع می‌کند. بهیمة در اینجا جانواران به طور کلی است.

همچنین، کاشتن بذرهایی گوناگون و یا پوشیدن لباسی که آمیخته‌ای از نخ کتان و پشم ایت منع شده بود. خدا خدای تفکیک است و در این مثال‌های فیزیکی او به قوم خود تعلیم می‌دهد که خود را از گناه و ناپاکی جدا کنند.

اگر مردی با کنیزی که نامزد کسی دیگر باشد رابطه مشروع داشته باشد هر دو باید مجازات شوند و باید قربانی شوند و باید قربانی جرم تقدیم کنند (آیات 20-22).

هنگامی که اسرائیل به سرزمین موعود می‌رسیدند نباید به مدت سه سال میوه درختان را برداشت می‌کردند. میوه سال چهارم نیز باید به خداوند تقدیم می‌شد، و در سال پنجم می‌توانستند از آن میوه بخورند (آیات 23-25). بر طبق گفته مفسری، شاید میوه سال چهارم به لایان می‌رسید و یا به عنوان قسمتی از دهیک دوم در مقابل خداوند خورده می‌شد.

37-19:26 دیگر اعمال منع شده از این قبیل بودند. خوردن گوشتی که خون از آن بیرون نشده بود (آیه 26 الف)؛ جادوگری (آیه 26 ب)؛ تراشیدن موها بر طبق رسومبت پرستی (آیه 27)؛ مجروح ساختن بدن بخاطر مردم دیگران (آیه 28 الف)؛ داغ کردن نشانه بر روی پوست همچون بت‌پرستان رایج بود (آیه 29)، شکستن سبت (آیه 30)؛ مشورت با واسطه‌ها و یا ارواح آشنا (اصحاب امینی) (آیه 31). باید به سالخوردگان احترام می‌گذاشتند (آیه 32)، ی با غریبه‌ها باید به مهربانی و میهمان نوازی رفتار می‌شد (آیه 33، 34). تجارت باید با عدل انجام می‌شد (آیات 35-37).

#### 7- پ. مجازات برای تخلفات فاحش (باب 20)

این باب برای برخی از تخلفاتی که در باب 18 و 19 ذکر گردیده است مجازات‌هایی را ارائه می‌کند. شخصی که باعث شود کودکی با تقدیم شدن به مولک از آتش گذشته شود باید سنگسار شود (آیات 1-3). اگر قوم نتوانند او را بکشند؛ خدا او و خانواده‌اش را هلاک خواهد ساخت (آیات 4، 5). همچنین جزای کسی که با مدیوم‌ها (واسطه‌ها) و ارواح آشنا مشورت کند مرگ است (آیه 6)، همچنین کسی که پدر و مادر خود را لعنت کند (آیه 9)؛ زناکار (آیه 20)؛ کسی که با زن پدر خود و یا با عروس خود بخوابد (آیه 11 و 12)؛ و یا کسی که لواط کند (آیه 13). (در این روابط نامشروع هر دو طرف باید کشته می‌شدند). اگر کسی با زن و دختر آن زن رابطه جنسی داشته باشد، هر سه متخلف هستند و باید به آتش سوخته شوند (آیه 14). ارتباط جنسی میان انسان و حیوانات جرمی محرز بود؛ آن شخص و نیز آن حیوان باید کشته می‌شدند (آیات 16، 16). سرانجام رابطه جنسی به خواهر و یا خواهر ناتنی مرگ (یا برطبق تفسیر برخی دیگر اخراج از اردوگاه) بود (آیه 17) و همچنین مجازات رابطه جنسی با زن حایض مرگ بود (آیه 18). ارتباط جنسی با عمه یا خاله مستلزم قضاوت داور بود، "ایشان متحمل گناه خود خواهند بود"، اما جزئیات بیشتری ارائه نشده است (آیه 19). برخی بر این باورند که در مواردی که شخص با زن عموی خود ارتباط جنسی داشته باشد، آنگونه که در آیه 20 گفته شده است، بدون اولاد خواهد مرد، و همچنین در آیه 21، در مواردی که شخص با خواهر ناتنی خود ارتباط داشته باشد.

آیه 21 تا مادامیکه برادر زنده باشد کاربرد دارد. اگر برادر بدون اینکه پسری داشته باشد می‌مرد، برادر او باید با بیوه برادر خود ازدواج می‌کرد و نا متوفی را بر پسری که متولد می‌شد می‌گذاشت (تثنیه 5:25).

آرزوی قلبی خدا این بود که قومی مقدس داشته باشد، قومی که از پلیدی‌های غیر یهودیان جدا بودند و از برکات سرزمین موعود بهره می‌بردند (آیات 22-26). واسطه‌ها و اصحاب اجنه باید با سنگسار از میان قوم بیرون می‌شدند (آیه 27).

#### 7- ت. رفتار کاهن (بابهای 21، 22)

باب‌های 21 و 22 در کنار باب‌های 16 و 17 خاب به هارون و پسرانش نوشته شده است.

4-21:1 کاهنان نباید با لمس کردن مرده خود را نجس می‌ساختند... مگر در مواردی که مرده از خویشاوندان

### 8- اعیاد خداوند (باب 23)

#### 8- الف. سبت (3-1:23)

اکنون تقویم مذهبی اسرائیل تبدیلی به موضوع قانونگذاری خدا می‌شود. یهوه توسر موسی به بنی‌اسرائیل گفت اعیاد خداوند را همچون موسمی مقدس نگاه دارند. پس شش روز کار، باید روز هفتم یا سبت روز آرامی از کار تلقی می‌شد.

#### 8- ب. فصیح (4:23، 5)

فصیح خداوند در روز چهاردهم از ماه پنجم برگزار می‌شد (نیسان، یا ابیب). این عید یادبودی بود از نجات اسرائیل از بردگی و اسارت مصر. بره فصیح نمونه‌ای از مسیح، بره خدا، و فصیح ما بود (1 قرن‌تیان 5:7)، که خونش برای آزادی ما از اسارت و بردگی گناه ریخته شده او نه در خلقت بلکه در کمال زمان‌ها جان خود را داد (غلاطیان 4:4-6).

#### 8- پ. عید نان فطیر (8-6:23)

عید نان فطیر نیز به واقعه فصیح ارتباط داشت. این عید به مدت هفت روز به طول می‌انجامید، روز پس از فصیح آغاز می‌شد. به عنوان مثال، از پانزدهم ماه نیسان تا بیست و یکم. معمولاً نام این دو عید را به جای یکدیگر به کار می‌برند. در طول این زمان یهودیان باید تمام خمیر مایه‌های خود را از خانه‌های خود بیرون می‌ریختند. در کتاب مقدس، خمیر مایه نمادی از شرارت (گناه) است. این عید نمادی از زندگی‌ای است که خمیر مایه شرارت و نفرت از آن کنار گذاشته شده است، زندگی‌ای که فطیر سده‌دلی

و راستی از ویژگی‌های آن است (1 قرن‌تیاں 6:8). میان فصیح (نجات ما) و عید نان فطیر (مسئولیت سلوک در تقدس) فاصله‌ای وجود ندارد... حتی امروزه یهودیان نان فطیر را در همین عید می‌خورند. این نان ماتزو (Matzo) نامیده شده است. طرز تهیه این نان بدین‌گونه است که نان را سوراخ، سوراخ می‌کنند، به طوری‌که در حین پختن راه راه می‌شود. این نان فطیر به طور واضح بی‌گناهی مسیح را به ما نشان می‌دهد. دست‌ها و پهلوی او برای ما سوراخ شد و با زخم‌هایش ما شفا یافتیم.

#### 8- ت. عید نوبرها (14-9:23)

جنابان بافه‌های حو در زور دوم از عید نان فطیر انجام می‌شد (روز پس از سبت- به عنوان مثال روز اول هفته). این واقعه به عید نوبرها معروف است. این عید در آغاز برداشت جو، اولین غله سال برگزار می‌شد. بافه‌ای از جو در مقابل یهود تکان داده می‌شد. به نشان شکرگزاری برای حصاد. یک قربان سوختنی و یک هدیه آردی نیز تقدیم می‌شد. اولین حصاد را وعده‌ای از حصادی عظمی‌تر می‌دانستند. این واقعه تصویری از مسیح قیام کرده بود. «مسیح... نوبر خوابیدگان» (1 قرن‌تیاں 15:20). قیام او تضمینی برای تمام کسانی است که به او ایمان دارند و همچنین توسط قیام دیگر فساد را نخواهند دید.

#### 8- ث. عید هفته‌ها (22-15:23)

22-23:15 عید هفته‌ها (عبری Shavout) یا پنطیکاست (یونانی پنجاهه) پنجاه روز پس از سبت برگزار می‌شد. این عید یک فستیوال شکرگزاری خدا در برداشت محصول بود برای آغاز برداشت گندم. نوبر برداشت گندم در این زمان، به همراه قربانی سوختنی، هدیه آردی تازه، هدیه ریختنی، و ذبیحه سلامتی تقدیم می‌شد. بر طبق سنت یهودی، موسی در این روز از سال شریعت را از خدا دریافت نمود. این عید نمونه‌ای از عطر روح‌القدس در روز پنطیکاست است، روزی که کلیسا تاسیس شد. قربانی جنابانندی شامل دو قرص نان ساخته شده از آرد نوبر. (این تنها هدیه‌ای بود که از خمیر مایه درست شده بود). این قرص‌های نان نمادی از یهودیان و امت‌ها بودند که در مسیح یک انسان جدید شدند (افسیان 2:15).

پس از پنطیکاست وقفه‌ای طولانی در حدود چهار ماه تا عید دیگر وجود داشت. این وقفه زمانی شاید تصویری از کلیسای حاضر باشد. که در آن ما منتظر بازگشت نجات دهنده خود هستیم.

#### 8- ج. عید کرناها (25-23:23)

عید مرناها در روز اول از ماه هفتم رخ می‌داد. با نواتن کرناها بنی‌اسرائیل برای نیایش بی‌نظیر. در این هنگام مدت زمانی ده روزه به تفتیش و تبه اختصاص داده می‌شد که به روز کفار منتهی می‌شد.

این واقعه نمادی از روزی است که اسرائیل پیش از توبه ملی باری دیگر گرد هم جمع می‌شوند. این روز، روز اول از سال ... است، که امروز Rosh Hshanali نامیده شده است (عبری، سرسال). برخی این عید را تصویری از اجتماعی دیگر نیز می‌دانند. به عبارتی اجتماع مقدسین به هنگام واقعه ربوده شدن در هوا برای دیدن خداوند.

#### 8- چ. روز کفاره (32-26:23)

روز کفاره (عبری، یوم کیپور)، در روز دهم از ماه هفتم واقع شده بود، که جزئیات آن در باب 16 شرح داده شده است. این عید تصویری از توبه همگانی اسرائیل است، هنگامی که بقیت وفادار به مسیح ایمان می‌آورند و بخشیده می‌شوند (زکریا 12:10؛ 13:1). تقریباً در هر آیه‌ای که از روز کفاره سخن می‌گوید، خدا این فرمان را تکرار می‌کند که کار نکنید. تنها شخصی که در این روز باید فعال می‌بود، رئیس کهنه بود. هنگامی که خداوند می‌گوید هر کسی از این حکم تخطی کند هلاک می‌گردد، در واقع این مسئولیت را سنگین‌تر می‌کند. دلیلش این است که نجاتی که ماهن اعظم ما برای ما به ارمغان آورد بر مبنای اعمال ما نبود (تیطس 3:5). اعمال ساسی هیچ دخالتی در برداشتن گناهان ما ندارند. کار مسیح و تنها کار او منشا نجات بدی ما است. «جانهای خود را ذلیل سازید» (آیات 27، 29) به مبنای روزه گرفتن است. حتی امروزه یهودیان مذهبی این روز را به منظره فرمانی برای روزه و دعا می‌دانند. اگر چه روز کفاره در میان اعیاد یهوه ذکر شده است، در حقیقت این عید زمانی برای روزه بود و نه جشن، اما به هر حال پس از اینکه مساله گناه حل شد، در عید خیمه‌ها زمان شادی و پایکوبی فرا می‌رسید.

#### 8- ح. عید خیمه‌ها (44-33:23)

عید خیمه‌ها (عبری «سوکوت») در روز پانزدهم از ماه هفتم آغاز می‌شد. بنی‌اسرائیل به مدت هفت روز در خیمه‌ها ساکن می‌شدند (42). این عید تصویری است از آرامش و حصادنهایی، هنگامی که اسرائیل در امنیت کامل در طول سلطنت هزار ساله در سرزمین موعود ساکن خواهند بود. این عید نیز عید جمع نامیده شده است (خروج 23:169). این عید با برداشت محصول همراه بود. در حقیقت در این باب اعیاد گوناگونی که با برداشت محصول ارتباط دارند ذکر گردیده‌اند. احتمالاً دو سبب تصویری از سلطنت هزارساله و آرامش ابدی است. Moische و Ceil Rosen این سنت را اینگونه توصیف می‌کنند:

«یهودیان سازه‌های چاری (خیمه) می‌ساختند و در طول این عید در آن می‌ماندند تا سکونت موقتی خود را در بیابان به یاد آورند. حتی امروزه هم یهودیان آلونک‌های سرباز برای این جشن می‌سازند. آنها این آلونک را با سه شاخه و میوه‌های پاییزی تزیین می‌کنند تا یادآوری از حصار برایشان باشد.

هر کسی که قادر بود برای جشن برداشت محصول هر سال به اورشلیم برود. پرستش معبد برای این روزها، شامل مراسم ریختن آب از حوض سیلوحا، نمادی از دعا برای باران‌های زمستانی بود. در این هنگام بود که عیسی اعلان نمود «... هر که تشنه است نزد من آید و بنوشد.» (یوحنا 7:37، 38).

پس از آخرین روز کفاره اسرائیل، عید خیمه‌ها باری دیگر در اورشلیم جشن گرفته خواهد شد (زکریا 14:16).

یکی از درس‌هایی که خداوند قصد داشت با برگزاری اعیاد به قوم بدهد، ارتباط نزدیک میان جنبه‌های روحانی با جنبه‌های فیزیکی زندگی بود. اوقات فراوانی و برکت باید در مقابل خداوند به خوشی و شادی سپری می‌شد. خداوند در نظر آنها شخصی بود که نیازهای آنها را به وفور برآورده می‌ساخت. واکنش آنها در مقابل نیکویی خداوند در جشن‌هایی که با برداشت محصول ارتباط داشتند تجلی می‌شد. به این فرمان که اسرائیلیان نباید در این مناسبت‌های مهم کار می‌کردند توجه نمایید (آیات 3، 7، 8، 21، 25، 28، 30، 31، 35، 36).

در اعیاد یهوه می‌توان یک پیشروی زمانبندی شده را دنبال مرد. سبت ما را به استراحت خدا پس از خلقت بر می‌گرداند. فصح و عید نان فطیر از جلجتا با ما سخن می‌گویند. سپس عید نوبرها می‌رسیم، که این عید خود به قیامت مسیح اشاره دارد. عید پنطیکاست نمادینست از نزول روح‌القدس سپس با نگاه به آینده، عید کرناها تصویری از تجمع دوباره اسرائیل است. روز کفاره سایه‌ای است از روزی که بقیت وفادار اسرائیل توبه خواهد کرد و عیسی را به عنان مسیح خواهد پذیرفت. سرانجام عید خیمه‌ها اسرائیل را در سلطنت هزار ساله مسیح به تصویر می‌کشد.

## 9. قانون مراسم و اخلاقیات (باب 24)

در باب 23، اعیاد سالانه شرح داده شدند. اکنون خدمات روزانه و هفتگی پرداخته می‌شود.

9-24:1 روغن زیتون صاف کوبیده را باید در چراغان طلایی به حضور خداوند می‌سوزانند. دوازده گرده (قرص نان) باید در دو ردیف بر روی میز نان تقدم می‌گذاشتند، و هر سبت جایگزین می‌شدند. کندر که در آیه 7 بدان اشاره شده است متعلق به خداوند بود. زمانی که نان کهنه را بر می‌داشتند و به عنوان غذا به ماهن تقدیم می‌کردند، کندیر به یهوه تقدیم می‌شد.

23-24:10 سپس به طور ناگهانی واقعه پسر یک زن اسرائیلی که پدرش مصری بود، به علت کفر گفتن به خدا سنگسار شد را می‌خوانیم (آیات 16:10-23). این رویداد حاکی از آن است که شریعت برای تمام کسانی که در اردوگاه اسرائیل بودند یکسان بود، چه یک یهودی اصیل بود یا خیر (آیه 22). این عبارات نشان می‌دهند که کفر نیز همچون قتل مستحق مرگ بود (آیات 14، 17، 23:14). (احتمالاً

آیه 16 حکم کفرگویی بوده اس، که یهودیان با گفتن این سخن آن را نقل می‌کردند « ما شریعتی داریم و موافق شریعت بر ما واجب است که بمیرد زیرا خود را پسر خدا ساخته است» [یوحنا 19:7] همچنین نشان می‌دهد که قوم می‌توانستند برای برخی دیگر از تخلفات غرامت بپردازند (آیات 21، 18). سرانجام این واقعه نشان می‌دهد که:

... کیفر اصلی بنیادین برای شریعت بود؛ اعمال غلط باید درست می‌شدند. ملایمت شریعت را بدنام می‌کرد. امروزه دنیای غرب به طور جدی با قانون قصاص بر خورد نمی‌کند، اما افراد متفکر از آن غافل نیستند. (الف) در نیای باستان، مجازات برای یک تخلف غالباً متناسب با آن تخلف نبود. از ایم رو قصاص گامی بزرگ در راه عدالت حقیقی بود. (ب) علاوه بر این، مجازات ترمیمی = گزینه‌ای که غالباً پیشنهاد شده است. از ذهن‌گرایی رنج می‌برد. چه کسی است که می‌تواند تشخیص دهد انسانی احیا شده است و آماده است به جامعه بپیوندد؟ شاید شرایط امروز آسان شده باشد، اما تکلیف فردا چیست؟ عدالت واقعی، چشم است (و نه بیشتر) به عوض چشم (یادداشت‌های روزانه انجمن کتاب مقدس).

در آیات 1-9 تصویری از اسرائیلی که مد نظر خدا است را می‌بینیم. در آیات 10-16 مرد کفرگو تصویر است از اسرائیل آینده (قدوس) را کفر و ناسزا می‌گویند (خون تو بر ما و بر فرزندانمان باشد).

## 10. سال سبت و سال یوبیل (باب 25)

قوانین باب‌های 25-27 بر کوه سینا به موسی داده شد و نه در خیمه اجتماع (1:25؛ 26:46؛ 27:34) 1:25-7 هر هفت سال، یکبار باید به عنوان سبت نگاه داشته می‌شد. زمین باید غیرفعال می‌ماند (در آن کشتی صورت نمی‌گرفت). غذای قوم باید از غلاتی که به طور خدرو می‌رویدند تهیه می‌شد. مالک نباید آن را درو می‌کرد، بلکه می‌گذاشت تا افراد دیگر از آن بهره ببرند.

8:25-17 سال پنجاهم نیز سال سبت بود، که به سال یوبیل معروف بود. این سال از روز کفاره پس از هفت سال سبت (چهل و نه سال) آغاز می‌شد. غلامن و کنیزان باید آزاد می‌شدند، زمین باید بایر می‌ماند و باید به کالک اولیه آن مستر می‌شد. بهای یک غلام یا یک قطعه زمین با فرا رسیدن سال یوبیل کاهش می‌یافت (آیات 15-179)، و تمام این معاملات تجاری باید این موضوع را مد نظر قرار می‌دادند. عبارت «در زمین برای جمیع ساکنانش آزادی را اعلان کنید» (آیه 10) بر روی زنگله آزادی ایالات متحده حک شده است. ایمانداران امروزه سال یوبیل را به بازگشت خداوند تشبیه می‌کند. هر چه به بازگشت او نزدیکتر می‌شویم، از ارزش ثروت مادی ما کاسته می‌شود. زمانی که او بیايد،

ثروت، دولت، سرمایه‌های ما بر ایمان بی‌ارزش خواهند شد. درس اخلاقی اسن است که امروز از دارایی خود برای او استفاده کنیم.

22-25:18 با توجع به سال سبت ممکن بود قوم با خود بیندیشند که آیا خوراک کافی برای آن سال و سال آینده خواهند داشت. خدا به آنها وعده داد که اگر مطیع باشند، در سال ششم غلات به اندازه کافی برای سه سال آخر بدهد.

هر پنجاه سال یکبار، دو ساب متوالی از کشت و زرع و برداشت خبری نبود، به عبارتی هنگامی که پس از سال سبت هفتم، سال یوبیل فرا می‌رسید. احتمالاً خداوند در سال چهل . هشتم به اندازه کافی غلات به آنها می‌داد که چهار سال بعدی را با آن سپری کنند.

برخی الاهی‌دانان بر این باورند که، با شمارش کلی سال‌ها، سال پنجاهم در حقیقت سال چهل و نهم بود. در هر صورت این یک مثالی قدیمی از بوم‌شناسی خوب است: حفظ کردن باروری زمین با استراحت اجباری.

28-25:23 قوم می‌توانستند زمین را بفروشند، اما نه دایمی، زیرا مالک اصلی یهوه بود. افرا می‌توانستند تنها به سو روش زمین را «فدیه کنند» ( به مالک اولیه یهودی آن مسترد کنند). خویشاوند نزدیک می‌توانست آن را برای فروشنده اولیه خریداری کند (آیه 25)؛ فروشنده ( مالک اولیه)، اگر توانایی مالی داشت، می‌توانست آن را بازپس گیرد، و بهای سال‌های فروش آن را به فروشنده پرداخت کند (آیات 26، 27)؛ در غیر اینصورت، زمین خود به خود به مالک اولیه آن در سال یوبیل مسترد می‌شد (آیه 18).

24-25:29 خانه نستقر در شهر حصار دار به مدت یکسال استرداد بود، پس از آن، آن خانه به طور دایمی از ملک مالک جدید می‌شد. خانه‌های دهات که بی‌حصار بودند، جزیی از زمین شمرده می‌شدند و از این رو در سال سوبیل به مالک اولیه مسترد می‌شدند. خانه‌هایی که متعلق به لایوان در شهرهای خاص خود بودند همواره در معرض استرداد به لایوان بودند. زمینی که لایوان اختصاص داده شده بود نباید فروخته می‌شدند.

38-25:35 اگر فردی اسرائیلی زیر دین و یا در فقر بود، طلبکاران نباید او را تحت فشار قرار می‌دادند. آنها نباید از او ربا طلب می‌کردند و یا غذایی بیش از غذایی که به او قرض داده بودند از او بخواهند.

46-25:30 اگر اسرائیلی‌ای فقیر خود را به طلبکار یهودی خود می‌فروخت نباید با او همچون برده برخورد می‌کردند، بلکه مثل مزدور، و باید در سال یوبیل ازاد می‌شد، البته اگر ایم واقعیش از پایان

شش سال خدمت او رخ می‌داد یهودیان اجازه داشتند از امت‌های غیر یهودی خود غلام اختیار کنند، و این غلامان و کنیزان از اوال آنها محسوب می‌شدند، و باید به پدران خود بازگردانده می‌شدند. اما یهودیان نباید خود را برده می‌ساختند.

54-25:47 اگر یک یهودی خود را ب غیر یهودی که دست بر قضا در سرزمین آنها زندگی می‌کرد، می‌فروخت، همواره این امکان وجود داشت که آن یهودی خریداری شده و آزاد شود. قیمت خرید با شمارش سال‌های باقیمانده تا سال یوبیل مشخص می‌شد. خویشانی که یهودی را می‌خریدند می‌توانستند او را به عنوان مزدور تا سال یوبیل به خدمت بگیرند. اگر خویشاوندی برای خرید او نیاید، پس او خود به خود در سال یوبیل آزاد می‌شد. 25:55 این آیه یک یادآوری واضح از این موضوع است که اسراییل و سرزمین آنها (آیه 23) به خداوند تعلق داشت و او باید مالک قانونی او باشد. نه قوم خدا و نه سرزمین خدا، به طور دائمی قابل فروش بودند.

## 11. برکات و لعنتها (باب 26)

### 11- الف. برکت در ازای اطاعت از خدا (13-1:26)

در این باب بیش از آنچه که به برکات پرداخته شود، سخن از هشدار به میان آمده است. سختی، ثمره ناطاعتی، ایزاری است که خدا از آن نه برای انتقام بلکه برای هدایت قوم به سوی توبه استفاده می‌کند (آیات 40 - 42). مجازات همگانی افزایش می‌یافت مگر اینکه قوم به گناه خود اعتراف می‌کردند. به این افزایش در آیات 24، 18، 21، 24 و 28 توجه نمایید.

پس از هشدار در برابر بت پرستی (آیه 1)، شکستن سبت و بی‌حرمتی (آیه 2)، خداوند برکات زیر را به قوم وعده داد، با این شرط که احکام او را نگاه دارند: باران، حاصلخیزی (آیه 4)، باروری، امنیت (آیه 5)، صلح، آرامش (آیه 6)، پیروزی بر دشمنان (آیات 7، 8)، فراوانی، حضور خداوند (آیات 9-13). آیه 13 در نسخه Knox بسیار زنده است: «آیا من همانی نبودم که زنجیرها را از گردنتان باز کردم و هیئت انسانهای زنده به شما بخشیدم؟»

### 11- ب. لعنت در ازای ناطاعتی از خدا (39-14:26)

33-14:26 ناطاعتی منجر می‌شد به خوف، بیماری، شکست از دشمنان، خشکسالی، برهنگی، وحوش صحرا، طاعون، حملات دشمنان و اسارت.

آیه 26 وضعیت در زمان قحطي را شرح مي‌دهد. نان آنقدر ناياب مي‌شد که ده زن در يك تنور نان مي‌پختند، که معمولاً براي استفاده يك خانوار مناسب بود. حتي قحطي‌هاي شديدتري در آیه 29 به تصوير کشيده شده است، زماني که آدم‌خواري چيره مي‌شود (براي تحقق تاريخي اين هشدار نگاه کنيد به پادشاهان 29:6 و مراثي 10:4).

39-34:26 ناطاعتي مصرانه از سوي اسراييل منجر به اسارت در نزد قدرتهاي خارجي مي‌شد. سرزمين اسراييل دوره‌اي از آرامش برابر با تعداد سالهاي سبت که معمولاً قوم نادیده مي‌انگاشتند، به خود مي‌ديد. اي موضوع با اسارت بابل به حقيقت پيوست. در طول سالهاي که شاوول پادشاه اسراييل بود تا دوره اسارت، قوم نتوانستند سالهاي سبت را نگاه دارند. از اين رو هفتاد سال را در تبعيد به سر بردند، و سرزمين از آرامي برخوردار بود (2 تواريخ 20:36، 21)

#### 11- پ. احيا پس از اعتراف و توبه (46-40:26)

قسمت پاياني باب 26 راهي را براي احيا توسط اعتراف و توبه براي قوم نامطيع مهيا مي‌سازد. خدا به طور کامل قوم خود را ترك نمي‌کرد، بلکه او هميشه عهد خود را به پدران قوم به ياد داشت.

#### 12. سوگندها و عشریه (باب 27)

باب آخر کتاب لاويان در مورد نذرها و سوگندهاي داوطلبانه به خداوند سخن مي‌گويد. چنين به نظر مي‌رسد که هر شخصي مي‌توانست به خاطر قدرداني از خداوند براي برخي برکات، شخص (خود و يا عضوي از خانواده خود) حيوان، خانه و يا قطعه زميني را وقف نمايد. چيزهايي که وقف شده بودند به کاهن داده مي‌شوند (اعداد 14:18). از آنجايي که اين هدايا هميشه براي کاهنان قابل استفاده نبودند، تدبيري انيشيده شد تا هر کسي که نذري دارد بتواند بهاي آن را به کاهن پرداخت نمايد.

2-1:27 وقف، تقدیس و تخصیص شخص بسیار خاص بود.

7-3:27 اگر شخصي به خداوند نذر مي‌شد، قيمت فديه در قبال آن از اين قرار بود:

مرد 20 الي 60 ساله 50 مثقال نقره

زن 20 الي 60 ساله 30 مثقال نقره

پسر 5 الي 20 ساله 20 مثقال نقره

دختر 5 الي 20 ساله 10 مثقال نقره  
پسر 1 ماهه تا 5 ساله 5 مثقال نقره  
دختر 1 ماهه تا 5 ساله 10 مثقال نقره  
مرد 60 ساله به بالا 15 مثقال نقره  
زن 60 ساله به بالا 10 مثقال نقره

8:27 اگر مردی آنقدر فقیر بود که نمی‌توانست نذر خود را بر طبق این جدول پرداخت نماید، کاهن برحسب توانایی او راه حلی در مقابلش قرار می‌داد.

13-9:27 اگر نذر يك حيوان بود، قوانین زیر به کار گرفته می‌شد: يك حيوان پاك، مناسب قربانی، فرد نمی‌توانست فدیة آن را بپردازد (آیه 9). این حیوان باید بر روی مذبح به خداوند تقدیم می‌شد (اعداد 17:18)؛ مبادله حیوان با حیوانی دیگر هیچ نفعی نداشت، زیرا در این صورت هر دو از آن خداوند می‌شدند (آیات 10، 33)؛ يك حيوان ناپاك را در صورتی می‌توانستند فدیة کنند که بهای آن به اضافه يك پنجم به کاهن پرداخت نمایند (آیات 11 الي 13).

15-14:27 اگر مردی خانه خود را به یهوه وقف می‌کرد، می‌توانست تصمیم خود را تغییر دهد و قیمت آن را به اضافه يك پنجم به کاهن پرداخت نماید و خانه را پس بگیرد.

18-16:27 ارزیابی ارزش يك قطعه زمین بسیار پیچیده بود، چرا که زمین باید در سال یوبیل به مالك اصلي آن استرداد می‌شد.

اگر مالك اصلي آن را وقف کرده بود، به عبارتی اگر زمین به او به ارث رسیده بود، قوانین ذکر شده در آیات 16-21 برای او صادق بود. این زمین بر طبق زراعتي ك ه در آن به عمل می‌آمد ارزش‌گذاری می‌شد. و به عنوان مثال اگر يك حומר جو در آن کشت می‌شد، ارزش آن پنجاه مثقال نقره بود.

اگر زمین نزدیک به سال یوبیل نذر می‌شد، ارزیابی فوق در مورد آن انجام می‌شد. اما اگر چند سال بعد از سال سوبیل نذر می‌شد، ارزش زمین نیز به نسبت کاهش می‌یافت. به عبارتی دیگر، اگر زمین 20 سال پس از سال یوبیل وقف می‌شد، ارزش آن 30 مثقال نقره بود.

21-19:27 اگر زمین پس گرفته شده بود، يك پنجم قیمت به بهای آن افزوده می‌شد.

اگر، مالك پس از اينكه زمين را به خداوند داد، فديه آن را پيش از سال يوبيل نمي پرداخت، يا اگر مخفيانه به شخص ديگري مي فروخت، ديگر نمي توانست فديه آن را بپردازد، بلكه آن زمين در سال يوبيل از اموال كاهن مي شد. سپس آن زمين براي خداوند زميني مقدس مي شد.

25-22:27 اگر زمين توسط كسي كه مالك اوليه آن نبود، وقف مي شد، به عبارتي توسط خريدار، حكم آيات 25-22 در مورد آن به كار مي رفت. كاهن بر دارايي قيمتي مي گذاشت. بسته به اينكه آن زمين تا پيش از سال يوبيل چقدر محصول مي داد. در آن سال زمين به مالك اوليه آن پس داده مي شد.

26:27، 27 قوم نخست زاده حيوان قرباني را نمي توانستند به خداوند وقف كنند، زيرا در هر صورت آن حيوان به خداوند تعلق داشت. نخست زاده حيوان نجس را مي توانستند با پرداخت برآورد آن به اضافه يك پنجم باز خريد نمايند. در غير اينصورت كاهن مي توانست آن را بفروشد.

28:27، 29 هر چيزي كه به مرگ و يا هلاكت محكوم بود، قابل فروش نبود. مقصود از چيز وقفي در اينجا همين است. از اين رو افراد نمي توانستند فديه پسري را كه به والدن خود ناسزا گفته بود، پرداخت نمايند، بلكه آن پسر بايد كشته مي شد.

بايد توجه داشت كه در اين باب ميان آنچه تخصيص مي شد (NASB) و آنچه تقديس مي شد (KJV) و آنچه منع مي شد (NASB) و آنچه وقف مي گرديد (KJV) تمايزي وجود داشت. برخي چيزها به خاطر نذر تقديس مي شدند - به عبارتي براي استفاده الاهي کنار گذاشته مي شدند. كه افراد مي توانستند فديه آنها را بپردازند. اموال وقفي به طور كامل و براي هميشه هديه مي شدند و افراد نمي توانستند آنها را باز خريد كنند.

30-31:27 دهيك يك يك دهم غلات و محصولات متعلق به خداوند بود. اگر تقريم كننده آن را نگاه مي داشت مي توانست قيمت آن را به اضافه يك-پنجم پرداخت نمايد.

32-33:27 عبارت «هر چه از زير عصا بگذرد» اشاره دارد به عمل شمارش گوسفندان و گاوان با گذراندن آنها از زير عصاي چوپان. لزلي فليين (Leslie Flynn) اين آيه را چنين تفسير مي كند:

«چوپان با عصايي كه در دست داشت از هر ده تا حيوان، به يكي مي زد. او به وجه نمي توانست ترتيب آنها را تغيير دهد، تا با اين كار بتواند حيوان خوب را از حيوان ديگر جدا كند. اگر سعي مي كرد ترتيب را تغيير دهد، هم شماره دهم و نيز شماره دهه كه خود انتخاب کرده بود از آن خداوند مي شد.»

اولین دهیک به دهیک لای معروف بود، چرا که به طایفه لایان پرداخت می‌شد (اعداد 24-21:18). دهیک دوم، که ظاهراً دهیکی متفاوت بود، در تثنیه 14:22-29 تشریح شده است.

34:27 اوامری که خداوند در آیه آخر کتاب لایان به موسی امر کرد احتمالاً اشاره دارد به تمام کتاب، پس از مطالعه مراسم بی‌شمار و قربانیهای خونی، می‌توانیم همصدا با متیو هنری شادی کنیم که:

«ما زیر سایه سیاه شریعت نیستیم، بلکه از نور درخشان انجیل بهره می‌بریم، .... ما زیر یوغ سنگین شریعت و آیینهای نفسانی نیستیم... بلکه زیر بنیادهای شیرین و ساده انجیل هستیم، انجیلی که پرستندگان حقیقی را که پدر را با روح و راستی می‌پرستند اعلان می‌کند، تنها توسط مسیح و در نام او، او که کاهن، معبد، مذبح، قربانی، طهارت و همه چیز ما است. پس بر این باور نباشیم که چون به رسوم طهارت، اعیاد و نذرها وابسته نیستیم، تنها با قدری توجه، زمان و هزینه می‌توانیم خدا را بپرستیم! خیر، بلکه دل‌هایی ما با هدایای داوطلبانه‌مان آنقدر باز و وسیع شده و آنقدر محبت و شادی عمیق دل‌هایی ما را گداخته است که او را می‌پرستیم و افکار و نیت‌های خود را آستن جدیت می‌کنیم. با دلیری به واسطه خون عیسی به قدس اقداس داخل می‌شویم، بیایید با قلبی پر از اخلاص و با اطمینان ایمان خدا را با شادی و فروتنی هر چه بیشتر بپرستیم، و بگوییم متبارک باد خدا را برای عیسی مسیح!»